

بررسی رابطه متقابل استقرار کمیته حسابرسی، شفافیت اطلاعات و کیفیت سود با استفاده از سیستم معادلات همزمان

وحید اسکوا^۱

محمد نوروزی^۲

سهیلا تیمورپور^۳

تاریخ دریافت: ۹۷/۸/۶
تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۱۴

چکیده:

در زمینه ارتباط بین استقرار کمیته حسابرسی و شفافیت اطلاعات، در مطالعات انجام گرفته دوگانگی دیده می‌شود؛ در حالی که برخی از مطالعات به بررسی تأثیر کمیته حسابرسی بر شفافیت اطلاعات پرداخته‌اند، مطالعات دیگر نیز وجود دارد که تأثیر کمیته حسابرسی بر کیفیت سود را به بوطه آزمون گذاشته‌اند. مشاهده شواهدی مبنی بر صحت هر دو رویکرد یادشده، می‌تواند به معنای رابطه‌ای سه‌طرفه میان این سه متغیر باشد. در این راستا، پژوهش پیش رو به بررسی رابطه سه‌طرفه استقرار کمیته حسابرسی، شفافیت اطلاعات و کیفیت سود می‌پردازد. نمونه آماری متشکل از ۱۲۵ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۷-۱۳۹۶ است؛ که ابتدا با انجام آزمون علیت گرنجری، وجود رابطه سه‌طرفه میان این دو متغیر به تائید رسید و سپس سیستم معادلات همزمان با استفاده از روش رگرسیون برآورد شد. نتایج بدست آمده از فرضیه اول حاکی از ارتباط مثبت بین استقرار کمیته حسابرسی و شفافیت اطلاعات است. فرضیه دوم بیانگر وجود ارتباط مثبت استقرار کمیته حسابرسی و کیفیت سود است. همچنین نتیجه فرضیه سوم حاکی از وجود رابطه سه‌طرفه بین استقرار کمیته حسابرسی و شفافیت اطلاعات و کیفیت سود است. به بیان دیگر، نتایج حاصل از سیستم معادلات همزمان، از اطمینان و صحت بیشتری نسبت به برآورد تک معادلات، برخوردار است.

کلمات کلیدی: کمیته حسابرسی، حاکمیت شرکتی، کیفیت سود، شفافیت اطلاعات، مدل معادلات همزمان

۱. استادیار، گروه علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه گنبدکاوس، گنبدکاوس، ایران (نویسنده مسئول)
Email: vahidoskou@gmail.com

۲. گروه حسابداری، علوم اداری و اقتصادی، دانشگاه گنبدکاوس، گنبدکاوس، ایران
Email: Mohammad_n488@yahoo.com

۳. گروه حسابداری، واحد مینودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مینودشت، ایران
Email: teymoorisoheyla6993@gmail.com

مقدمه

نظام راهبری شرکتی مفهومی است که در سال‌های اخیر در زمینه مسائلی همچون پاسخگویی و افزایش کیفیت اطلاعات مطرح گردیده است. کمیته حسابرسی یکی از ارکان اصلی نظام راهبری شرکتی است و همچنین یکی از مهم‌ترین کمیته‌های تخصصی هیئت‌مدیره محسوب می‌شود که موجب تقویت، سلامت و کیفیت گزارشگری مالی، بهبود کیفیت کنترل‌های داخلی بهبود عملکرد حساب‌برسان کمک به هیئت‌مدیره برای ایفای مسئولیت پاسخگویی و اطمینان از انطباق فعالیت‌های این واحدها با قوانین و مقررات آمره و همچنین موجب جلوگیری از اعمال غیرقانونی مدیریت می‌شود (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۲؛ جامعی و رستمیان، ۱۳۹۵). در سال‌های اخیر، کشورهای توسعه‌یافته شاهد ظهور و تکامل شتابان کمیته‌های حسابرسی بوده‌اند. گسترش عملیات بین‌المللی، تشدید فعالیت‌های شرکت‌های سهامی برای کسب مزایای رقابتی، افزایش بدهی‌های ناشی از خسارت به محیط‌زیست، نقش و تأثیر برآوردهای مدیریت در ارقام مندرج در صورت‌ها و گزارش‌های مالی، نبود مبنایی معتبر برای بررسی ادعاهای مدیریت در رابطه با کفایت ساختار کنترل داخلی از سوی حساب‌برسان مستقل، گسترش استفاده از سیستم‌های رایانه‌ای و به دنبال آن، مشکل‌تر شدن نظارت بر کنترل این سیستم‌ها، سبب تشدید روند ایجاد و به‌کارگیری کمیته حسابرسی شده است (رحیمیان، ۱۳۸۲). بسیاری از رسوایی‌ها رخ داده منجر به از دست رفتن اعتماد در بازارهای سرمایه گشته است و برای سرمایه‌گذاران در هنگام تصمیم‌گیری، صورت‌های مالی در درجه اول مهم هستند. چراکه سود و نسبت‌های مالی در چنین صورت‌های مالی که به‌طور معمول به ارائه شفافیت اطلاعات در ارتباط با عملیات شرکت و وضعیت مالی خواهند پرداخت را گزارش می‌دهند (وانگ و همکاران، ۲۰۱۵). از آنجاکه ایجاد و به‌کارگیری کمیته حسابرسی در کشورهای توسعه‌یافته در پیشگیری از وقوع اعمال خلاف قانون و اخلاق، بهبود فرایند گزارشگری مالی و ارائه اطلاعات و گزارش‌های مالی شفاف و قابل‌اتکا مؤثر بوده است، انتظار می‌رود وجود کمیته حسابرسی در واحدهای اقتصادی در ایران نیز، در بهبود فرایند گزارشگری مالی و شفافیت و قابل‌اتکا بودن اطلاعات مالی مؤثر باشد کمیته حسابرسی اثربخش نقش کلیدی در پر کردن خلأ اعتبار دهی ایفا خواهد کرد.

از سویی دیگر؛ پیش‌بینی سود حسابداری و تغییرات آن یک رویداد اقتصادی است که از دیرباز علاقه سرمایه‌گذاران، مدیران، تحلیلگران مالی، پژوهشگران و اعتباردهندگان را به خود جلب کرده و از مهم‌ترین منبع اطلاعاتی سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر استفاده‌کنندگان، به‌ویژه در بورس اوراق بهادار شمرده می‌شود (ملکیان و همکاران، ۱۳۸۹). افشا در حسابداری واژه‌ای فراگیر است و تقریباً تمامی فرایند گزارشگری مالی را در برمی‌گیرد. یکی از اصول اولیه حسابداری اصل افشای کلیه واقعیت‌های بااهمیت و مربوط درباره رویدادها و فعالیت‌های مالی واحدهای تجاری است. اصل مزبور ایجاب می‌کند که صورت‌های مالی به‌گونه‌ای تهیه و ارائه شود که از لحاظ هدف‌های گزارشگری اولاً به‌موقع، مربوط و قابل‌اعتماد و ثانیاً قابل‌مقایسه و قابل‌فهم باشد؛ یعنی بتواند استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی را در اتخاذ تصمیمات آگاهانه کمک کند

(عالی پور، ۱۳۷۰). اصطلاح افشا در گسترده‌ترین مفهوم خود به معنای ارائه اطلاعات است. حسابداران از این عبارت به صورت محدودتری استفاده می‌کنند و منظور آن‌ها انتشار اطلاعات مالی مربوط به یک شرکت در گزارش‌های مالی (معمولاً در قالب گزارش‌های سالانه) است. انتشار اطلاعات در ترازنامه، صورت سود و زیان و صورت جریان وجوه نقد اغلب تحت عنوان شناخت و اندازه‌گیری مدنظر قرار می‌گیرد. بنابراین در محدودترین مفهوم، افشای اطلاعات شامل بحث و تحلیل‌های مدیریت، یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی و صورت‌حساب‌های مکمل است (هندریکسن و ون بردا، ۱۹۹۲). امروزه با توجه به فضای رقابتی و تغییر شرایط کسب‌وکار، مهم‌ترین موضوع برای شرکت‌ها، اعتبار و سطح مقبولیت آن‌ها است. یکی از ابزارهای مهم برای نشان دادن این موضوع، رتبه‌بندی شرکت‌هاست. در واقع رتبه‌بندی شرکت‌ها می‌تواند مظهر میزان اعتبار و قدرت آن‌ها باشد. با توجه به این موضوع اغلب کشورها اقدام به رتبه‌بندی شرکت‌های موجود در بورس اوراق بهادار خود کرده‌اند. در ایران نیز بورس اوراق بهادار اقدام به رتبه‌بندی شرکت‌ها بر پایه افشاء به‌موقع اطلاعات نموده است.

نتایج تحقیق لوبو و ژو بیانگر رابطه منفی قابل‌ملاحظه‌ای بین خط‌مشی افشاء شرکت‌ها با اقدام تعهدی اختیاری است. لذا با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از این تحقیق شرکت‌هایی با میزان افشا پایین‌تر مایل‌اند تا بیشتر به مدیریت سود بپردازند و همچنین شرکت‌هایی که بیشتر به مدیریت سود می‌پردازند مایل‌اند تا افشا باکیفیت پایین‌تر داشته باشند. مدیریت سود ممکن است کارا یا فرصت‌طلبانه باشد. از طریق مدیریت سود، مدیر می‌تواند اطلاعات محرمانه را به بازار سرمایه منتقل کند و تأثیر مثبتی بر کیفیت سود بگذارد، ولی از دیدگاه فرصت‌طلبانه، مدیر با استفاده از هزینه طرف‌های دیگر قرارداد به کسب منافع می‌پردازد. بنابراین کیفیت سود تحت تأثیر نوع مدیریت سود قرار می‌گیرد. مطابق با پژوهش وانگ و همکاران (۲۰۱۵) روابط بین استقرار کمیته حسابرسی، شفافیت اطلاعات و کیفیت سود به یکدیگر ارتباط دارند. آن‌ها بر این باورند که کمیته‌های حسابرسی، شفافیت اطلاعات و کیفیت سود می‌توانند به‌طور همزمان بر یکدیگر تأثیرگذار باشند. در ایران، مطابق با ماده ۱۰ دستورالعمل کنترل‌های داخلی برای ناشران پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرا بورس ایران، منشور ایجاد یک کمیته حسابرسی شرکت نمونه (سهامی عام) با توجه به سیاست‌های اخیر توسط سازمان بورس اوراق بهادار در تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۲۳ به تصویب رسید. از این‌رو با توجه به نوظهور بودن کمیته‌های حسابرسی در ایران، پرداختن به این موضوع از اهمیت بالایی برخوردار است. تحقیقات قبلی ایجاد کمیته حسابرسی، شفافیت اطلاعات و کیفیت سود را هرکدام به‌عنوان یک متغیر مستقل در نظر گرفته‌اند (کلاین، ۲۰۰۲؛ جو و کیم، ۲۰۰۷). در نتیجه، این متغیرها به‌عنوان متغیرهای برون‌زا در نظر گرفته‌شده است. بر این اساس، پژوهش حاضر با توجه به در نظر گرفتن این متغیرها به‌عنوان متغیرهای درون‌زا و با استفاده از مدل معادلات همزمان به‌طور مشترک توسط یک سری از ویژگی‌های شرکت تعیین می‌شود. هنگامی که متغیرهای درون‌زا، استقرار کمیته حسابرسی،

شفافیت اطلاعات و کیفیت سود با استفاده از مدل معادلات همزمان در نظر گرفته می‌شود بسیار کاربردی‌تر و مفیدتر در مقابل روش‌های پژوهش سنتی است. لذا بر پایه این استدلال، پژوهش حاضر درصدد بررسی روابط بین استقرار کمیته حسابرسی، شفافیت اطلاعات و کیفیت سود خواهیم بود و همچنین درصدد پاسخگویی به این سؤال خواهیم بود که آیا استقرار کمیته حسابرسی با شفافیت اطلاعات و کیفیت سود ارتباط معناداری دارد یا خیر؟ از سویی دیگر، در پی بررسی رابطه متقابل استقرار کمیته حسابرسی، شفافیت اطلاعات و کیفیت سود با استفاده از سیستم معادلات همزمان خواهیم بود.

مبانی نظری پژوهش

در سال ۱۹۹۸، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، اصول حاکمیت شرکتی قوی در شرکت‌های بزرگ را از پنج جنبه زیر مورد بررسی قرار داد: الف) حقوق سهامداران؛ ب) رفتار عادلانه سهامداران؛ ج) نقش ذی‌نفعان در حاکمیت شرکتی؛ د) افشا و شفافیت؛ و ه) مسئولیت هیئت‌مدیره. عضویت در هیئت‌مدیره یک موضوع انتقادی در حاکمیت شرکتی است. شفافیت اطلاعات پایین، همواره سبب مشکلات اطلاعات نامتقارن که منجر به انتخاب نامساعد، خطرات اخلاقی و تخصیص نادرست از بودجه می‌گردد شده است. کاهش در عدم تقارن اطلاعات منجر به اعتماد سرمایه‌گذاران و در نتیجه افزایش نقدینگی در سهام از شرکت می‌گردد (هیلی و پالیپو، ۱۹۹۹). هیئت‌مدیره به‌عنوان سازوکارهای اولیه نظارتی در یک شرکت است. از مسئولیت‌های مهم هیئت‌مدیره، ارزیابی سیستم‌های کنترل داخلی و انتصاب حسابرسان خارجی در شرکت است. تخصص مالی و حسابداری اعضای هیئت‌مدیره به‌عنوان تابعی از نظارت در شرکت مؤثر است و اینکه آیا آن می‌تواند با نظارت فرآیند آماده‌سازی، قابلیت اطمینان صورت‌های مالی را افزایش دهد و مدیران مستقل، به‌عنوان یک نیروی بیگانه در شرکت، بایستی مقدار خاصی از اطلاعات شرکت را به‌عنوان یک عامل نظارت بر وظایف خود به دست آورند و آن‌ها را پردازش کنند. علاوه بر این یک کمیته حسابرسی باید توسط مدیران مستقل که می‌تواند بر عملکرد هیئت‌مدیره نظارت داشته باشد انتخاب گردد؛ بنابراین، کمیته‌های حسابرسی نقش حیاتی در حاکمیت شرکتی و نقش نظارتی در فرآیند گزارشگری مالی را دارند (مورک و همکاران، ۱۹۸۸؛ آرمسترانگ و همکاران، ۲۰۱۴).

مطابق با پژوهش آرمسترانگ و همکاران (۲۰۱۴) نسبت مدیران مستقل دارای تأثیر مثبت بر شفافیت اطلاعات و مدیران مستقل نیاز به شفافیت اطلاعات بهتری برای انجام نظارت بر شرکت و نقش مشاوره‌ای برخوردارند. ساماها و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی رابطه بین هیئت‌مدیره، ویژگی‌های کمیته حسابرسی و افشای داوطلبانه پرداختند و آن‌ها استدلال کردند که اندازه هیئت‌مدیره، ترکیب هیئت‌مدیره و کمیته‌های حسابرسی اثر مثبت و معناداری بر افشای داوطلبانه شرکت خواهد داشت. اکثر تحقیقات قبلی، فرض می‌کنند که مدیران مستقل و استقرار کمیته‌های حسابرسی بر شفافیت اطلاعات اثر مثبت دارد. هو و وانگ (۲۰۰۱) بیان کردند که

کمیته‌های حسابرسی، به‌طور معمول متشکل از مدیران مستقل، به‌منظور افزایش کیفیت اطلاعات مالی و بهره‌برداری از حاکمیت شرکتی در شرکت ایجاد شده است. یک کمیته حسابرسی شامل تخصص مالی و حسابداری است که در تهیه صورت‌های مالی متخصص هستند؛ بنابراین، آن‌ها می‌توانند از دست‌کاری‌های برآوردی حسابداری و یا استفاده از روش‌های نامناسب حسابداری جلوگیری کنند؛ و در نتیجه خطر تحریف بااهمیت در صورت‌های مالی را به حداقل برسانند. کلین (۲۰۰۲) در پژوهش خود چنین استدلال کردند که استقلال کمیته حسابرسی بر مدیریت سود تأثیری منفی دارد؛ بنابراین، استقلال کمیته حسابرسی می‌تواند مدیریت سود را به حداقل برساند. هاباش و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی بیان کردند که کمیته‌های حسابرسی در محدود کردن مدیریت سود در شرکت‌های انگلستان کمک شایانی خواهد کرد. بادولاتی و همکاران (۲۰۱۴) بیان کردند که کمیته‌های حسابرسی با هر دو تخصص در امور مالی و وضعیت نسبی بالا با سطوح پایین‌تری از مدیریت سود همراه است. اکثر پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه حاکی از آن است که کمیته حسابرسی منجر به بهبود کیفیت سود در شرکت‌ها می‌گردد. جو و کیم (۲۰۰۷) بیان کردند که شرکت‌هایی با افشای گسترده به‌احتمال زیاد با مشکلاتی از اطلاعات که منجر به مدیریت سود کمتر و عملکرد بهتری هستند مواجه‌اند؛ و نتایج تجربی از رابطه معکوس افشای اطلاعات با مدیریت سود و رابطه مثبت با عملکرد پشتیبانی می‌کند. بلانکو و همکاران (۲۰۱۴) به بررسی رابطه بین بخش‌های افشای اطلاعات و کیفیت سود در شرکت‌های ایالات متحده پرداختند. آن‌ها استدلال کردند که رابطه مثبتی بین کیفیت سود و مقدار افشای اطلاعات بخش‌های شرکت وجود دارد. کاسل و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی رابطه بین شفافیت افشای مربوط به فعالیت در ذخیره ارزیابی و حساب‌ها و مدیریت سود بر اساس اقلام تعهدی پرداختند. نتایج تحقیق بیانگر این مطلب بود که میزان اقلام تعهدی مدیریت سود در شرکت‌هایی با افشای شفافیت اطلاعات نسبت به شرکت‌هایی که افشای شفافیت پایین‌تری از اطلاعات را دارا هستند، کمتر است. اکثر تحقیقات قبلی بر این فرض است که شفافیت اطلاعات می‌تواند کیفیت سود را بهبود بخشد.

با توجه به تحقیقات قبلی، روابط بین استقرار کمیته حسابرسی، شفافیت اطلاعات و کیفیت سود به هم وابسته هستند و نتیجه‌ای از یک رویداد درونی است. روابط متقابل میان این متغیرها حاکی از وجود رابطه به‌صورت همزمان است؛ و در نتیجه معادله رگرسیونی تنها، نمی‌تواند اثرات متقابل وابستگی بین متغیرها را به‌خوبی در نظر بگیرد و ممکن است یافته‌های متناقضی را به همراه داشته باشد. در هر دودسته از تحقیقات، شواهد تجربی رابطه در نظر گرفته‌شده را مورد تأیید قرار داده‌اند و حال این سؤال پیش می‌آید که کدام‌یک از این رویکردهای اتخاذشده در تحقیقات بالا صحیح است؟ کدام متغیر را به‌عنوان متغیر مستقل و کدام‌یک را به‌عنوان متغیر وابسته باید در نظر گرفت؟ با توجه به تأیید نتایج در هر دودسته از تحقیقات و همچنین بررسی ادبیات موجود، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که یک رابطه دوطرفه بین دو متغیر فوق وجود دارد و لذا در بررسی رابطه بین این دو با استفاده از مباحث اقتصادسنجی، به‌جای استفاده از

مدل‌های تک معادله‌ای (که تنها بیانگر رابطه یک‌طرفه بین دو متغیر می‌باشند)، باید از سیستم "معادلات همزمان" (که نشان‌دهنده رابطه متقابل و دوطرفه بین دو متغیر است) استفاده کرد. مدل معادلات همزمان، رویکرد بهتری را برای درک وابستگی بین متغیرها و همچنین روابط بین متغیرهای متعدد را بیان می‌کند (کلاین، ۲۰۰۲؛ جو و کیم، ۲۰۰۷؛ گرین، ۲۰۰۲؛ لین و هوانگ، ۲۰۰۹).

با توجه به نتایج تحقیقات، مشاهده می‌شود که پژوهش‌های تجربی بسیار اندکی در زمینه بررسی رابطه دوطرفه میان استقرار کمیته حسابرسی، شفافیت اطلاعات و کیفیت سود شرکت‌های خارج از کشور وجود دارد و این در حالی است که در داخل با توجه به جست‌وجوهای انجام‌شده، تاکنون پژوهشی که بیانگر رابطه سه‌طرفه میان استقرار کمیته حسابرسی، افشای اطلاعات و کیفیت سود باشد، در ادبیات حسابداری مشاهده نشده است؛ بنابراین پژوهش حاضر سعی بر آن دارد تا رابطه سه‌طرفه میان استقرار کمیته حسابرسی، افشای اطلاعات و کیفیت سود را در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی کند. با توجه به اینکه در مطالعات انجام‌شده، شواهدی مبنی بر ارتباط بین متغیرهای پژوهش وجود دارد، این شواهد می‌تواند مؤید این باشد که رابطه سه‌طرفه‌ای میان سه متغیر مزبور وجود دارد.

کمیته حسابرسی، شفافیت اطلاعات و کیفیت سود

طبق دیدگاه سنتی حسابداری، سرمایه‌گذاران کوچک (عموماً کم‌اطلاع) از آنجاکه می‌توانند تحت سلطه افراد دارای اطلاعات محرمانه (درون‌سازمانی‌ها) قرار گیرند، نیاز به حمایت دارند. این دیدگاه احتمالاً از این واقعیت ناشی شده است که در بازار سرمایه نابرابری وجود دارد. در نتیجه به‌منظور تعدیل این نابرابری‌ها، نیاز به مقررات و راهکارهای مناسب وجود دارد. بر اساس تحلیل‌های نظری و شواهد تجربی، افزایش عدم تقارن یا نابرابری اطلاعات، با کاهش تعداد معامله‌گران، هزینه‌های زیاد معاملات، نقدینگی پایین اوراق بهادار و حجم کم معاملات رابطه دارد و در مجموع منجر به کاهش منافع اجتماعی ناشی از معامله می‌شود (وانگ و همکاران، ۲۰۱۵؛ فی، ۲۰۱۳). لذا جهت بهبود شفافیت اطلاعات، سازوکارهای متعددی در متون حسابداری و مالی مطرح‌شده است که از آن جمله می‌توان به ارتقاء حاکمیت شرکتی اشاره نمود. از جمله ارکان ساختار کنترل داخلی که در ادبیات حاکمیت شرکتی به آن توجه ویژه‌ای شده است، کمیته حسابرسی است. کمیته حسابرسی علاوه بر نظارت بر فعالیتهای کنترلی شرکتی، با نگرش جستجوگرانه، قضاوت‌های مدیریت را مورد سؤال قرار می‌دهد (فخاری و رضائی پسته نوئی، ۱۳۹۷؛ کریشنان و همکاران، ۲۰۱۱). همچنین این امر تقویت استقلال حسابرس مستقل و جایگاه حسابرس داخلی را به دنبال دارد و با برقراری ارتباط با آن‌ها در پیدایش و برقراری کامل جریان اطلاعاتی سودمند، کمک خواهد نمود کمیته حسابرسی یکی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی است که انتظار می‌رود در راستای حفظ منافع گروه‌های مختلف استفاده‌کننده از اطلاعات حسابداری مؤثر واقع شود. ایجاد و به‌کارگیری این کمیته در پیشگیری از وقوع اعمال خلاف

غیرقانونی، بهبود فرآیند گزارش‌گری مالی و همچنین ارائه اطلاعات و گزارش‌های مالی شفاف و قابل اتکا مؤثر است. وجود کمیته حسابرسی به‌عنوان یک ابزار مهم جهت راهبری شرکت تلقی می‌شود که نیز وظیفه بااهمیتی جهت نظارت بر فرآیند گزارش‌گری مالی و حسابرسی داخلی و کیفیت سود نیز دارد (قوش و همکاران، ۲۰۱۰؛ محمدپور و شهرابی، ۱۳۹۳)؛ بنابراین کمیته حسابرسی می‌تواند نقش بسزایی بر شفافیت اطلاعات شرکت و همچنین کیفیت سود ایفا نماید.

فرضیه‌های پژوهش

مطابق با مبانی نظری و ادبیات پژوهش، فرضیه‌های پژوهش به‌صورت زیر تدوین شده است:

فرضیه اول: استقرار کمیته حسابرسی رابطه مثبتی بر شفافیت اطلاعات دارد.

فرضیه دوم: استقرار کمیته حسابرسی رابطه مثبتی بر کیفیت سود دارد.

فرضیه سوم: بین استقرار کمیته حسابرسی، شفافیت اطلاعات و کیفیت سود رابطه مثبتی وجود دارد.

پیشینه تجربی پژوهش

در میان پژوهش‌های انجام‌گرفته، پژوهشی مشاهده نشد که به بررسی رابطه همزمان استقرار کمیته حسابرسی، شفافیت اطلاعات و کیفیت سود در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته باشد. باوجوداین، به بیان پاره از پژوهش‌های تجربی پرداخته می‌شود که در زمینه کمیته حسابرسی، شفافیت اطلاعات و کیفیت سود انجام‌شده و به نحوی با موضوع پژوهش ارتباط دارد. افزون بر این، برخی از مطالعات به‌منظور ایجاد پشتوانه برای به‌کارگیری متغیرهای این پژوهش بیان شده است.

بیلال و همکاران (۲۰۱۸) طی پژوهشی به بررسی فراتحلیل تخصص کمیته حسابرسی و کیفیت سود پرداختند. آن‌ها با استفاده از یک نمونه متشکل از ۱۶۵۵۲۹ سال-شرکت نشان دادند که تخصص کمیته حسابرسی با کیفیت سود ارتباط مثبت و معناداری دارد. همچنین بیان کردند که اعضای کمیته حسابرسی با کارشناسان و متخصصان مالی و حسابداری و کیفیت سود نسبت به اعضای غیرمتخصص کمیته حسابرسی ارتباط معناداری دارد. بدین معنی که اعضای غیرمتخصص تأثیری بر کیفیت سود ندارند. پاریتی و همکاران (۲۰۱۸) در تحقیق خود به بررسی استقلال کمیته حسابرسی و محتوای اطلاعاتی سود پرداختند. آن‌ها با استفاده از یک نمونه متشکل از ۷۶۰۰ سال-شرکت از ۱۵ کشور بین‌المللی طی سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۴ نشان دادند که استقلال کمیته حسابرسی به‌عنوان یک نقش جایگزین برای افزایش اعتبار اطلاعاتی سود شرکت‌های کوچک می‌گردد. وانگ و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی رابطه بین استقرار کمیته‌های حسابرسی، شفافیت اطلاعات و کیفیت سود با استفاده از مدل معادلات همزمان پرداختند. نتایج بیانگر این مطلب بود که ایجاد (استقرار) کمیته‌های حسابرسی ارتباط مثبتی با شفافیت اطلاعات و کیفیت سود دارد. نتیجه مدل معادلات همزمان نشان می‌دهد که اثرات متقابل

و مثبت در ایجاد کمیته حسابرسی، شفافیت اطلاعات و کیفیت سود وجود دارد. دوبیجا (۲۰۱۵) در پژوهش خود شیوه‌های کمیته حسابرسی: نظارت بر گزارشگری مالی و حسابرسی در لهستان را مورد بررسی قرار داد. تحقیق وی با ارائه بینشی از جنبه‌های خاصی از اثربخشی کمیته‌های حسابرسی با تمرکز بر نظارت کمیته‌های حسابرسی گزارشگری مالی و حسابرسی در یک کشور که از مدل آنگلو ساکسون حاکمیت شرکتی پیروی نمی‌کند پرداخته است. نتایج تحقیق بیانگر برجستگی از پیچیدگی و تناقض طبیعی از رفع موضوع حاکمیت شرکتی در یک محیط با غلظت بالاتر مالکیت همراه بود. جوهن و همکاران (۲۰۱۴) ارتباط بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و تخصص رئیس کمیته حسابرسی با به‌موقع بودن گزارشگری مالی را مورد آزمون قرار دادند. آن‌ها در تحقیق خود استقلال کمیته حسابرسی، تخصص کمیته حسابرسی و اندازه کمیته حسابرسی به‌عنوان ویژگی‌های کمیته حسابرسی در نظر گرفتند و نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که بین ویژگی‌های کمیته‌های حسابرسی با به‌موقع بودن گزارشگری مالی رابطه معناداری وجود دارد و بین تخصص رئیس کمیته حسابرسی با به‌موقع بودن گزارشگری مالی رابطه معناداری وجود ندارد. روحانا و همکاران (۲۰۱۴) به بررسی تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر افشای داوطلبانه در ۹۴ شرکت از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار مالزی پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که تنها تخصص کمیته بر افشای داوطلبانه تأثیر می‌گذارد و هیچ‌یک از عوامل استقلال کمیته، اندازه کمیته و تعداد جلسات کمیته با افشای داوطلبانه رابطه‌ای معنی‌دار ندارند. هیشام و همکاران (۲۰۱۴) طی پژوهشی تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر افشای داوطلبانه ۱۴۶ شرکت از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار مالزی را مورد آزمون قرار دادند. متغیرهای توضیحی مورد مطالعه آن‌ها شامل استقلال کمیته حسابرسی، تعداد جلسات کمیته و اندازه کمیته حسابرسی بود. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که استقلال کمیته و اندازه کمیته با افشای داوطلبانه رابطه‌ای مستقیم دارند اما تعداد جلسات کمیته و تخصص اعضای کمیته بر افشای داوطلبانه تأثیری ندارند. پارک و همکاران (۲۰۱۳) درباره اثر قانون افشای منصفانه بر به‌موقع بودن اطلاعات مطالعه‌ای در کره جنوبی انجام دادند. طبق قوانین بورس اوراق بهادار سئول، هرگاه فروش شرکت، سود یا زیان عملیاتی و هم‌چنین سود یا زیان خالص بیش از ۳۰ درصد نسبت به سال قبل تغییر یافته باشد، باید دلایل این تغییر از سوی شرکت قبل از حسابرسی افشا شود. آن‌ها دریافتند که بیش از نیمی از شرکت‌هایی که مشمول این قانون هستند، دلایل تغییرات در سود و زیان و فروش به‌موقع افشا می‌نمایند. نتیجه مطالعه آن‌ها نشان داد افشا و ارائه به‌موقع اطلاعات مربوط به سود و زیان حسابرسی نشده، محتوای اطلاعاتی دارد. آندریس سوارز و همکاران (۲۰۱۳) در تحقیقی تحت عنوان اثربخشی کمیته‌های حسابرسی در اسپانیا: مفاهیمی از وجود اظهار نظر حسابرسان دریافتند که کمیته‌های حسابرسی با نسبت بالاتری از اعضای مستقل منجر به بهبود کیفیت اطلاعات حسابداری می‌گردد و تعداد جلسات کمیته‌های حسابرسی به‌طور مستقیمی با بهبود کیفیت اطلاعات حسابداری رابطه معناداری وجود دارد.

ودبعی نوقابی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهش خود به بررسی نقش تعدیل‌گر کیفیت حسابرسی

بر ارتباط بین اثربخشی کمیته حسابرسی و مدیریت سود با استفاده از یک نمونه متشکل از ۹۶ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ پرداختند. نتایج به‌دست‌آمده از فرضیات پژوهش نشان می‌دهد که هنگامی که یک کمیته حسابرسی اثربخش با یک حسابرس متخصص در صنعت در تعامل هستند، احتمال کاهش مدیریت سود وجود دارد. همچنین نتایج حاکی از آن است که اثر تعدیل‌گر اندازه موسسه حسابرسی بر اثربخشی کمیته حسابرسی و مدیریت سود تأثیر معناداری دارد و بنابر نتایج به‌دست‌آمده از فرضیه سوم نشان می‌دهد که هنگامی که یک کمیته حسابرسی اثربخش با دوره تصدی حسابرس در تعامل است احتمال کاهش مدیریت سود وجود دارد. مرادزاده فرد و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی اثربخشی کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی با استفاده از یک نمونه متشکل از ۵۳ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ پرداختند. یافته‌های پژوهش حاکی از رابطه مثبت و معنادار بین اثربخشی کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی است. صفری‌گرایی و همکاران (۱۳۹۶) طی پژوهشی به ارائه مدلی برای تبیین اثربخشی کمیته حسابرسی و محتوای ارزشی اطلاعات حسابداری با استفاده از یک نمونه متشکل از ۱۰۳ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۴ پرداختند. نتایج پژوهش آنان حاکی از آن است که اثربخشی کمیته حسابرسی، مربوط بودن ارزش سود (محتوای ارزشی اطلاعات سود و زیان) و مربوط بودن ارزش دفتری هر سهم (محتوای ارزشی اطلاعات ترازنامه) را افزایش می‌دهد. کامیابی و بوژمهرانی (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی ویژگی‌های کمیته حسابرسی، کیفیت افشا و نسبت غیرموظف اعضای هیئت‌مدیره با استفاده از یک نمونه متشکل از ۷۱ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۲ پرداختند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد بین دو ویژگی کمیته حسابرسی یعنی تجربه و مدت تصدی اعضای کمیته حسابرسی با کیفیت افشا شرکت‌ها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد درحالی که بین تخصص و اندازه کمیته حسابرسی با کیفیت افشا رابطه مثبت معناداری مشاهده نگردید. علاوه بر این، یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است نسبت غیرموظف اعضای هیئت‌مدیره بر رابطه بین تجربه اعضای کمیته حسابرسی و کیفیت افشا تأثیر مثبت و معناداری دارد اما بر رابطه بین سایر ویژگی‌های کمیته حسابرسی و کیفیت افشا شرکت‌ها اثر تعدیل‌کننده ندارد. فخاری و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیقی تحت عنوان بررسی اثر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق اقلام واقعی پرداختند و نتایج تحقیقات آن‌ها بیانگر این مطلب بود که بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و مدیریت سود از طریق اقلام واقعی رابطه معناداری وجود دارد. این یافته‌ها می‌تواند برای خطمشی‌گذاران بورس از جهت تدوین و الزام رعایت منشور کمیته حسابرسی مفید بوده و ضرورت به‌کارگیری اصول حاکمیت شرکتی و تهیه داوطلبانه گزارش حاکمیت شرکتی را به همراه داشته باشد. رؤیایی و ابراهیمی (۱۳۹۴) در پژوهش خود تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر سطح افشای داوطلبانه اخلاق را مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق آن‌ها بیانگر این مطلب بود که تنها دو ویژگی استقلال کمیته حسابرسی و تخصص اعضای کمیته

بر افشای داوطلبانه اخلاق تأثیر می‌گذارد. کوکبی و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی تأثیر کارایی عملکرد حسابرسی داخلی و کمیته حسابرسی بر تجدید ارائه صورت‌های مالی پرداختند و نتایج تحقیقات آن‌ها بیانگر ارتباط معکوس بین کارایی عملکرد حسابرسی داخلی و کمیته حسابرسی بر تجدید ارائه صورت‌های مالی شرکت‌ها است. باباجانی و خنکا (۱۳۹۱) طی پژوهشی، ضرورت تشکیل کمیته حسابرسی و استقرار واحد حسابرسی داخلی در شهرداری‌های کلان‌شهرها برای ارتقا سطح مسئولیت پاسخگویی را مورد آزمون قرار دادند. نتایج پژوهش نشان داد که تشکیل کمیته حسابرسی و استقرار واحد حسابرسی داخلی در شهرداری‌های کلان‌شهرها موجب ارتقا سطح ایفا و ارزیابی مسئولیت پاسخگویی مالی و عملیاتی نهادهای مذکور می‌شود.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی می‌باشد. همچنین بر اساس ماهیت مطالعه، از نوع توصیفی بوده و از نظر زمان نیز، جز پژوهش‌های گذشته‌نگر می‌باشد. لازم به ذکر است این پژوهش، از نظر کاربرد، جزء پژوهش‌های نتیجه‌گرا و از نظر نوع داده، جزء پژوهش‌های کمی و توصیفی-تحلیلی و از نوع همبستگی است. در این پژوهش، تجزیه و تحلیل داده با استفاده از سیستم معادلات همزمان انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۷ است. با توجه به بررسی‌های انجام شده، تعداد ۱۲۵ شرکت در دوره زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۷ حائز شرایط بالابودند و تحت بررسی قرار گرفتند.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

اطلاعات لازم برای این پژوهش با استفاده از روش میدانی و از طریق بانک‌های اطلاعاتی سازمان بورس و اوراق بهادار تهران گردآوری شده است. تجزیه و تحلیل داده و آزمون فرضیه‌ها، در چارچوب سیستم معادلات همزمان و با استفاده از نسخه دهم نرم‌افزار ایویوز^۱ صورت گرفته است.

مدل آزمون فرضیه‌ها و تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

برای سنجش ارتباط بین استقرار کمیته حسابرسی و شفافیت اطلاعات از مدل رگرسیونی زیر استفاده شده است.

مدل (۱)

$$TRANS = \beta_0 + \beta_1 AC + \beta_2 SIZE + \beta_3 AGE + \beta_4 LEV + \beta_5 LIQ + \beta_6 Audit + \beta_7 ROA + \beta_8 Grow + \varepsilon$$

برای آزمون فرضیه دوم پژوهش از مدل رگرسیونی (۲) که در آن اقلام تعهدی به‌عنوان یک متغیر وابسته مدنظر قرار گرفته شده است استفاده خواهیم کرد:

مدل (۲)

$$DA = \beta_0 + \beta_1 AC + \beta_2 SIZE + \beta_3 AGE + \beta_4 LEV + \beta_5 LIQ + \beta_6 Audit + \beta_7 ROA + \beta_8 Grow + \varepsilon$$

که در آن DA به‌عنوان ارقام تعهدی است که در این پژوهش به‌عنوان یک متغیر برای کیفیت سود استفاده شده است.

از مدل رگرسیونی ۳، ۴ و ۵ برای آزمون فرضیه سوم تحقیق استفاده خواهیم کرد که در آن استقرار کمیته حسابرسی، شفافیت اطلاعات و کیفیت سود هر یک به‌طور جداگانه به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است.

(مدل ۳)

$$TRANS = \alpha_0 + \beta_1 DA + \alpha_2 AC + \alpha_3 SIZE + \alpha_4 AGE + \alpha_5 LEV + \alpha_6 LIQ + \alpha_7 Audit + \alpha_8 ROA + \alpha_9 Grow + \varepsilon$$

(مدل ۴)

$$DA = \alpha_0 + \beta_1 TRANS + \alpha_2 AC + \alpha_3 SIZE + \alpha_4 AGE + \alpha_5 LEV + \alpha_6 LIQ + \alpha_7 Audit + \alpha_8 ROA + \alpha_9 Grow + \varepsilon$$

(مدل ۵)

$$AC = \alpha_0 + \beta_1 TRANS + \alpha_2 DA + \alpha_3 SIZE + \alpha_4 AGE + \alpha_5 LEV + \alpha_6 LIQ + \alpha_7 Audit + \alpha_8 ROA + \alpha_9 Grow + \varepsilon$$

واضح است که در سیستم بالا، متغیرهای استقرار کمیته حسابرسی (AC) و کیفیت سود (DA) و شفافیت اطلاعات (TRANS) در قالب یک سیستم رابطه همزمان دارند؛ بنابراین، به علت اریب همزمانی یا اریب معادلات همزمان (که به دلیل درون‌زا بودن برخی از متغیرها و همبستگی آن‌ها با جملات خطا ایجاد می‌شود) که باعث اریبی و ناسازگاری برآورد کننده‌های ضرایب ساختاری مدل می‌شود، استفاده از روش برآورد حداقل مربعات معمولی امکان‌پذیر نیست؛ به این معنا که نمی‌توان این معادلات را به‌صورت جداگانه برآورد کرد. در نتیجه، این معادلات را باید در قالب معادلات همزمان برآورد کرد. پرکاربردترین روش‌ها برای این منظور دو روش سیستم معادلات همزمان حداقل مربعات سه مرحله‌ای (3SLS) و سیستم معادلات همزمان حداقل مربعات دومرحله‌ای (2SLS) است (گجراتی، ۲۰۰۴؛ گرین، ۲۰۰۲ و ذوالنور، ۱۳۷۴). سیستم معادلات همزمان حداقل مربعات سه مرحله‌ای (3SLS)، نسبت به سیستم معادلات همزمان حداقل مربعات دومرحله‌ای (2SLS)، از لحاظ مجانبی کارا تر است (به دلیل اینکه به‌صورت هم‌زمان و یکجا معادله‌های موجود در سیستم را در نظر می‌گیرد و برآورد می‌کند) و فرض استقلال پسماندها را در نظر نمی‌گیرد. همچنین، سیستم معادلات همزمان حداقل مربعات سه مرحله‌ای یک روش سیستمی است که ارتباطات احتمالی بین اجزای هر معادله را در نظر می‌گیرد. بدین معنا که تمامی ضرایب فرم ساختاری معادله‌هایی را که به دنبال برآورد آن هستیم، یک‌باره محاسبه می‌کند و همه معادله‌ها را به‌صورت هم‌زمان در یک سیستم برآورد می‌نماید (گجراتی، ۲۰۰۴؛ گرین، ۲۰۰۲ و ذوالنور، ۱۳۷۴). در پژوهش حاضر نیز برای آزمون فرضیه‌های

پژوهش از سیستم معادلات همزمان حداقل مربعات سه مرحله‌ای (۳SLS) استفاده شده است. در معادلات همزمان، فرم ساختاری سیستم (معادلات و روابطی است که در پژوهش به دنبال بررسی آن هستیم) به فرم تبدیلی (اگر سیستم معادلات را به گونه‌ای حل کنیم که مقادیر متغیرهای درون‌زا، تنها بر حسب متغیرهای برون‌زا بیان شوند، سیستم به دست آمده را فرم تبدیلی الگو گویند) (ذوالنور، ۱۳۷۴) بدل می‌شود؛ سپس با استفاده از فرم تبدیلی برآوردهای لازم انجام می‌شود (گجراتی، ۲۰۰۴؛ گرین، ۲۰۰۲ و ذوالنور، ۱۳۷۴).

متغیرهای پژوهش متغیر مستقل

استقرار کمیته حسابرسی: یک متغیر ساختگی است که در صورت وجود کمیته حسابرسی در شرکت عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر (وانگ و همکاران، ۲۰۱۵).

متغیرهای وابسته

شفافیت اطلاعات: مطابق با پژوهش‌های کمالیان و همکاران (۱۳۸۹) و ستایش و کاظم نژاد (۱۳۹۱) به منظور اندازه‌گیری شفافیت اطلاعات، از امتیازهای اختصاص داده شده به هر شرکت در اطلاعیه «رتبه کیفیت افشا و اطلاع‌رسانی مناسب» که توسط سازمان بورس و اوراق بهادار منتشر می‌شود، استفاده شده است. رتبه کیفیت افشا و اطلاع‌رسانی مناسب، بر اساس وضعیت اطلاع‌رسانی ناشران از نظر قابلیت اتکا و به موقع بودن ارسال اطلاعات محاسبه می‌شود. ارائه اطلاعات به موقع به سازمان بورس و همچنین، ارائه اطلاعات با کیفیت لازم، از جمله معیارهای مهم تشخیص رتبه شفافیت شرکت‌ها در بورس تهران است. علاوه بر گزارش‌های ۳، ۶، ۹ و ۱۲ ماهه و همچنین، صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای و سالانه و همچنین، گزارش‌های هیئت‌مدیره به مجمع، زمان‌بندی پرداخت سود سهام و... ارائه اطلاعات با اهمیت، به محض وقوع، به سازمان بورس و اوراق بهادار الزامی است. بر این اساس، در فرمولی خاص، زمان ارائه اطلاعات به سازمان بورس رصد می‌شود و شرکت‌هایی که حتی یک روز از زمان ارائه اطلاعات مربوط به آنان گذشته باشد، با امتیاز منفی مواجه می‌شوند و در برخی موارد، انحراف تا حدی است که شرکت‌ها هیچ امتیازی نمی‌گیرند. در مجموع، به موقع بودن اطلاعات، دوسوم از امتیازات رتبه‌بندی را به خود اختصاص داده و یک‌سوم باقی‌مانده هم مربوط به قابلیت اتکای اطلاعات است. در این پژوهش، از امتیازهای تعلق گرفته به هر شرکت که به وسیله سازمان بورس و اوراق بهادار تهران و از طریق اطلاعیه «رتبه‌بندی شرکت‌ها از نظر کیفیت افشا و اطلاع‌رسانی مناسب» منتشر می‌شود، به‌منزله معیار کیفیت افشا استفاده شده است (ستایش و کاظم نژاد، ۱۳۹۱).

کیفیت سود: پاره‌ای از محدودیت‌های ذاتی حسابداری تعهدی، موجب می‌شود سود حسابداری لزوماً عملکرد اقتصادی واحد تجاری را منعکس نکند. به همین دلیل ارزیابی کیفیت سود گزارش شده، حجم وسیعی از مطالعات حسابداری را به خود اختصاص داده است (کردستانی

و طایفه، (۱۳۹۲). فرانسیس، اول سون و شیپیر (۲۰۰۴) هفت معیار ارزیابی کیفیت سود، شامل کیفیت اقلام تعهدی، پایداری سود، قابلیت پیش‌بینی سود، یکنواختی سود، مربوط بودن سود به ارزش سهام، به‌موقع بودن و محافظه‌کارانه بودن سود را اندازه‌گیری کردند. در پژوهش پیش رو مطابق با تحقیقات وانگ و همکاران (۲۰۱۵) از معیار مدیریت سود به‌عنوان معیاری برای اندازه‌گیری کیفیت سود برآورد شده است. در ادامه، نحوه اندازه‌گیری آن بیان می‌شود.

اندازه‌گیری مدیریت سود: در اکثر پژوهش‌های مرتبط، برای اندازه‌گیری اقلام تعهدی اختیاری (نماینده مدیریت سود)، از مدل جونز تعدیل‌شده بهره‌برده‌اند که توسط دچو، اسلون و سوئینی (۱۹۹۵) ارائه شده است. برخی از پژوهشگرانی توانایی بیشتر مدل کازنیک در تفکیک اقلام تعهدی اختیاری را نسبت به مدل تعدیل‌شده جونز تأیید کرده‌اند (سجادی و همکاران، ۱۳۹۱؛ بهارمقدم و کوهی، ۱۳۸۹)؛ بنابراین برای رسیدن به نتیجه بهتر و قابلیت مقایسه، در این پژوهش برای تفکیک اقلام تعهدی اختیاری و غیر اختیاری، از مدل کازنیک نیز استفاده شده است. مدل ۶، کازنیک را نشان می‌دهد.

رابطه ۶)

$$ACCR_{j,t} = \alpha_0 + \alpha_1(\Delta REV_{j,t} - \Delta REC_{j,t}) + \alpha_2 PPE_{j,t} + \alpha_3 \Delta CFO_{i,t} + \varepsilon_{j,t}$$

جمع اقلام تعهدی است که از رابطه ۷ محاسبه می‌شود.

رابطه ۷)

$$ACCR_{j,t} = \Delta CA_{j,t} - \Delta CL_{j,t} - \Delta Cash_{j,t} + \Delta STDEBT_{j,t} - DEP_{j,t}$$

پس از برآورد پارامترهای α_1 ، α_2 و α_3 مدل ۶، برای تعیین اقلام تعهدی اختیاری و غیر اختیاری، از رابطه‌های زیر استفاده شده است.

رابطه ۶)

$$NDA_{j,t} = \alpha_1 \left(\frac{1}{A_{j,t-1}} \right) + \alpha_2 (\Delta REV_{j,t} - \Delta REC_{j,t}) + \alpha_3 PPE_{j,t} + \varepsilon_{j,t}$$

رابطه ۷)

$$ACCR_{j,t} = \alpha_0 + \alpha_1(\Delta REV_{j,t} - \Delta REC_{j,t}) + \alpha_2 PPE_{j,t} + \alpha_3 \Delta CFO_{i,t} + \varepsilon_{j,t}$$

رابطه ۸)

$$DA_{i,t} = ACCR_{i,t} - NDA_{i,t}$$

که در آن:

$NDA_{j,t}$: اقلام تعهدی غیر اختیاری شرکت j در سال t ؛

$DA_{i,t}$: اقلام تعهدی اختیاری شرکت Z در سال t ؛
 $A_{j,t-1}$: کل دارایی‌های اول دوره شرکت Z
 $\Delta REC_{i,t}$: تغییرات حساب‌ها و اسناد دریافتی + تغییرات سایر حساب‌های دریافتی شرکت
 Z در سال t نسبت به سال قبل؛
 $DEP_{i,t}$: هزینه استهلاک شرکت Z در سال t است. باقی متغیرها قبلاً تعریف شده است.

متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت: انتظار می‌رود شرکت‌های بزرگ با برخورداری از تنوع محصول، تصاحب سهم بیشتری از بازار، صرفه‌جویی در مقیاس و امکان تنوع‌بخشی به فعالیت‌های تجاری، ریسک تجاری شرکت را کاهش دهند و بر سودآوری آن بیفزایند (واتز و زیمرمن، ۱۹۸۶). همچنین، انتظار می‌رود رابطه مستقیم و معناداری بین کیفیت افشا و کیفیت سود وجود داشته باشد (وانگ و همکاران، ۲۰۱۵). به دلیل وجود وقفه‌های معاملاتی طولانی‌مدت یا اندک بودن حجم مبادلات انجام‌شده روی سهام بسیاری از شرکت‌های موردبررسی و همچنین ناکارایی بورس اوراق بهادار تهران (تالانه و هجران کش راد، ۱۳۹۰)، به نظر می‌رسد که کاربرد معیار ارزش بازار از قابلیت اتکای کافی برخوردار نیست. استفاده از معیار فروش نیز نسبت به معیار مجموع دارایی‌ها مزیت دارد؛ زیرا رقم فروش نسبت به مجموع دارایی‌ها مربوط‌تر است و تورم موجود در جامعه را بیشتر در بر می‌گیرد. بنابراین، لگاریتم طبیعی فروش، معیار اندازه شرکت در نظر گرفته شده است.

سابقه شرکت: سابقه شرکت بیانگر سال‌هایی است که از زمان درج نام شرکت در بورس اوراق بهادار تهران گذشته است. انتظار می‌رود که یک شرکت با سابقه بیشتر در جمع‌آوری، پردازش و گزارش اطلاعات، به موقع‌تر عمل کند و اطلاعات را با کیفیت و شفافیت بیشتری افشا کند.

اهرم مالی: یکی از مهم‌ترین مقیاس‌های اهرم، نسبت بدهی است که از تقسیم بدهی‌ها به دارایی‌ها به دست می‌آید (فاستر، ۱۹۸۶). انتظار می‌رود رابطه مستقیم و معناداری بین اهرم مالی و شفافیت اطلاعات وجود داشته باشد. همچنین، انتظار می‌رود که شرکت‌های اهرمی (با هزینه‌های نمایندگی کمتر)، اطلاعات کمتر یا با کیفیت پایین‌تری را افشا کنند (کارامونو و وافیز، ۲۰۰۵).

نقدینگی: انتظار می‌رود رابطه معناداری بین نقدینگی (نسبت سریع) و کیفیت افشا وجود داشته باشد (السعید، ۲۰۰۵ و لیاردو، ۲۰۰۹). با توجه به مزایای نسبت سریع، در این پژوهش از این نسبت برای سنجش نقدینگی شرکت‌ها استفاده شده است.

اندازه موسسه حسابرسی: شرکتی که سازمان حسابرسی آن را حسابرسی کرده است، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر به آن اختصاص می‌یابد. انتظار می‌رود مؤسسه‌های بزرگ حسابرسی، پیشنهاد کنند که اطلاعات بیشتر و باکیفیت‌تری در گزارش‌های سالانه و حساب‌های صاحب‌کارانشان ارائه شود (والاس، ناصر و مورا، ۱۹۹۴).

عملکرد مالی: در این پژوهش، برای سنجش عملکرد از بازده مجموع دارایی‌ها (ROA)

استفاده می‌شود.

رشد شرکت: یکی از متغیرهای بنیادین مؤثر بر وضعیت آتی سودآوری شرکت‌ها و بازده سهام میزان سرمایه‌گذاری شرکت‌ها در دارایی‌های ثابت است که می‌تواند زمینه‌ساز دستیابی به بازده مطلوب در آینده بوده یا به دلیل تحمیل ریسک بیشتر بر وضعیت مالی شرکت در نتیجه سرمایه‌گذاری بیشتر، قدرت شرکت را برای حفظ بازده فعلی و رشد آن در دوره‌های آتی، کاهش دهد و در بلندمدت نیز منجر به افت بازده و عملکرد شرکت شود (دارابی و کریمی، ۱۳۸۹). از این رو در پژوهش حاضر برای محاسبه رشد، مجموع دارایی‌ها در اول دوره، از مجموع دارایی‌ها در پایان دوره کم شده و سپس باقی‌مانده بر مجموع دارایی‌های اول دوره تقسیم شده است.

الگوی مطالعه

همان‌گونه که در پیش‌ازین توضیح داده شد، مروری بر ادبیات موضوع و توجه به نتایج به‌دست‌آمده، نشان می‌دهد که رابطه سه‌طرفه میان استقرار کمیته حسابرسی، شفافیت اطلاعات و کیفیت سود وجود دارد. در بررسی چگونگی تأثیر این سه متغیر بر یکدیگر، بهتر است که از سیستم معادلات همزمان به‌جای تک معادلات استفاده کرد. در اینجا برای به دست آوردن شواهد بیشتر مبنی بر رابطه سه‌طرفه بین این سه متغیر، ابتدا آزمون علیت گرنجر به کار می‌رود و چنانچه وجود رابطه علی بین دو متغیرها به روش تجربی نیز تأیید شد، آنگاه از سیستم معادلات همزمان استفاده می‌شود. گرنجر (۱۹۶۹) با ارائه مدل زیر روشی را برای بررسی جهت علیت بین دو متغیر بیان کرد:

رابطه (۱):

$$y_t = \sum_{i=1}^n \alpha_i y_{t-i} + \sum_{i=1}^n \beta_i x_{t-i}$$

y_t : تابعی از وقفه‌های خود این متغیر و نیز وقفه‌های متغیر x_t است.

رابطه (۲):

$$x_t = \sum_{i=1}^n c_i x_{t-i} + \sum_{i=1}^n d_i y_{t-i}$$

x_t : متغیر وابسته‌ای که تابعی از وقفه‌های خود این متغیر و نیز وقفه‌های متغیر y_t است. حال پس از برآورد مدل بالا، اگر ضرایب β_i از نظر آماری معنادار باشد، گفته می‌شود که متغیر x_t علیت گرنجری متغیر y_t است و اگر ضرایب d_i نیز به لحاظ آماری معنادار باشد، متغیر y_t نیز علت گرنجری متغیر x_t است. اگر تنها یکی از ضرایب معنادار باشد، رابطه علیت بین دو متغیر یک‌طرفه است و اگر هر دو معنادار باشد، رابطه علیت دوطرفه قلمداد می‌شود که این به معنای وجود رابطه بازخوردی بین دو متغیر است. نتایج آزمون علیت گرنجری با استفاده از داده‌های استقرار کمیته حسابرسی، شفافیت اطلاعات و کیفیت سود در نگاه ۱ گزارش شده است.

نگاره ۱: نتایج آزمون دوطرفه علیت گرنجری

آزمون علیت گرنجری (دوره مشاهدات ۱۳۸۷-۱۳۹۵)		
سطح اطمینان	آماره F	فرضیه صفر
۰/۰۰۳۶	۵/۰۸۳۴	وجود کمیته حسابرسی و کیفیت سود، علیت گرنجری شفافیت اطلاعات نیست.
۰/۰۲۷۱	۴/۹۷۵۸	شفافیت اطلاعات و وجود کمیته حسابرسی، علیت گرنجری کیفیت سود نیست.
۰/۰۱۵۸	۸/۴۹۳۸	شفافیت اطلاعات و کیفیت سود، علیت گرنجری وجود کمیته حسابرسی نیست.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

به‌منظور بررسی مشخصات عمومی متغیرها و تجزیه و تحلیل دقیق آن‌ها، آشنایی با آمار توصیفی مربوط به متغیرها لازم است. نگاره (۱)، آمار توصیفی متغیرهای مورد استفاده در تحقیق که شامل بررسی شاخص‌های مرکزی و پراکندگی می‌باشد را نشان می‌دهد. مقایسه میانگین مشاهدات با میانه آن‌ها و اختلاف اندک آن‌ها، بیانگر نرمال بودن توزیع مشاهدات می‌باشد.

نگاره ۲: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	تعداد مشاهدات	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	ضرب چولگی	ضرب کشیدگی
استقرار کمیته حسابرسی	۱۳۷۵	۰/۶۶۳	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۵۱۲	۰/۸۶۶	۶/۰۹۴
مدیریت سود	۱۳۷۵	۰/۰۷۳	۰/۰۶۹	۰/۵۲۳	۰/۰۴۱	۰/۰۷۴	۰/۶۴۸	۵/۹۱۲
شفافیت اطلاعات	۱۳۷۵	۵۴/۵۲۱	۵۰/۶۳۱	۹۹/۰۰۰	۱۹/۰۰۰	۷/۹۱۵	-۱/۸۱۱	۵/۱۸۳
اندازه شرکت	۱۳۷۵	۱۴/۶۱۳	۱۴/۵۵۴	۱۹/۹۶۴	۱۱/۳۷۱	۲/۶۲۴	۰/۸۵۳	۳/۷۸۳
اهرم مالی	۱۳۷۵	۰/۶۱۲	۰/۵۹۳	۰/۸۴۶	۰/۳۱۲	۰/۴۴۳	۰/۳۲۸	۴/۰۵۶
سابقه شرکت	۱۳۷۵	۱۸/۰۰۰	۱۶/۰۰۰	۵۱/۰۰۰	۹/۰۰۰	۶/۲۵۱	۰/۵۰۸	۳/۴۱۸
نقدینگی	۱۳۷۵	۰/۱۹۴	۰/۰۸۶	۱/۶۳۷	۰/۰۷۵	۰/۲۳۷	۰/۴۸۳	۴/۷۳۳
اندازه موسسه حسابرسی	۱۳۷۵	۰/۴۱۲	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۵۴۲	۰/۳۶۸	۳/۶۱۲
نرخ بازده دارایی	۱۳۷۵	۰/۰۳۹	۰/۰۳۱	۰/۶۱۲	۰/۴۱۰	۰/۰۷۲	۰/۴۹۱	۵/۸۸۴
رشد شرکت	۱۳۷۵	۰/۰۸۳	۰/۰۸۸	۰/۳۶۶	۰/۰۹۴	۰/۲۷۶	-۱/۵۱۰	۴/۹۱۶

در نگاره ۲ برخی از مفاهیم آمار توصیفی متغیرها شامل میانگین، میانه، حداقل، حداکثر مشاهده‌ها به‌عنوان شاخص‌های مرکزی و انحراف معیار به‌عنوان شاخص پراکندگی ارائه شده است. اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که بیانگر نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌ها است. برای مثال مقدار میانگین برای متغیر شفافیت اطلاعات (۵۴/۵۲۱) نشان می‌دهد که میانگین امتیازهای شرکت‌های نمونه از سطح خوبی برخوردار است. بدین معنی که مدیران شرکت‌ها از افشاهای اختیاری جهت کاهش تضاد نمایندگی بین سهامداران و مدیران و بستانکاران استفاده می‌کنند. از سویی دیگر، میانگین مدیریت سود (۰/۰۷۳) نشان می‌دهد که کیفیت سود در بین شرکت‌ها متفاوت است و میزان به‌دست‌آمده حاکی از افزایش کیفیت اطلاعات ارائه‌شده در صورت‌های مالی در ارتباط با سود شرکت است. همچنین؛ متغیر استقرار کمیته حساسرسی دارای انحراف معیار ۰/۵۱۲، مقدار حداکثر ۱/۰۰۰ و حداقل ۰/۰۰۰ می‌باشد که این موضوع حاکی از متفاوت بودن سال‌های موردنظر در پژوهش است که بین شرکت‌ها بررسی شده است. میانگین استقرار کمیته حساسرسی بیانگر آن است که اکثر شرکت‌های بورسی از اعضای کمیته حساسرسی در جهت بهبود شفافیت اطلاعات، کنترل‌های داخلی شرکت استفاده می‌کنند. همچنین میانگین استقرار کمیته حساسرسی نشان‌دهنده آن است که به‌طور متوسط ۶۶ درصد از شرکت‌های نمونه از وجود کمیته حساسرسی بهره‌مند می‌باشند. از سویی دیگر، حدود ۴۱ درصد از شرکت‌های نمونه را سازمان حساسرسی موردحسابرسی قرار داده است که می‌توان از جمله شرکت‌ها به شرکت ایران‌خودرو، سیمان تهران و ... اشاره کرد. علاوه بر این، به‌طور متوسط حدود ۶۱ درصد از دارایی‌های شرکت‌های موردبررسی از محل بدهی تأمین مالی شده است.

آمار استنباطی ساکن‌پذیری

در پژوهش حاضر از آزمون‌های ریشه‌ی واحد از نوع آزمون‌های لوین و فلیپس پرون و نیز لین و چو برای بررسی ساکن‌پذیری تمامی متغیرها استفاده شده است. نتایج از آن حکایت داشت که مقدار P-Value درباره همه متغیرها از ۵٪ کمتر است؛ بنابراین، همه متغیرها در سطح پایاست. به علت آنکه ارائه اطلاعات در پیوند با این آزمون‌ها، از حوصله این مقاله خارج است و موجب افزایش حجم آن می‌شود، تنها نتایج آزمون ساکن‌پذیری متغیرهای درون‌زا در نگاره (۳) آورده شده است.

نگاره ۳: آزمون لوین، لین و چو و فلیپس پرون متغیرهای پژوهش

نام متغیر و روش	نام آزمون	لوین، لین و چو	فلیپس پرون
استقرار کمیته حسابرسی	ثابت	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
	ثابت و روند	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
شفافیت اطلاعات	ثابت	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۳
	ثابت و روند	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
کیفیت سود	ثابت	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
	ثابت و روند	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰

آزمون فرضیات پژوهش

در پژوهش حاضر تجزیه و تحلیل رگرسیون چندمتغیره و روش حداقل مربعات معمولی بر اساس دو بخش صورت گرفته است. (۱) ابتدا ارتباط بین استقرار کمیته حسابرسی و شفافیت اطلاعات مورد آزمون واقع گردید و سپس (۲) ارتباط بین استقرار کمیته حسابرسی و کیفیت سود بررسی شده است.

نگاره ۴: ارتباط بین استقرار کمیته حسابرسی و شفافیت اطلاعات

$TRANS = \beta_0 + \beta_1 AC + \beta_2 SIZE + \beta_3 AGE + \beta_4 LEV + \beta_5 LIQ + \beta_6 Audit + \beta_7 ROA + \beta_8 Grow + \varepsilon$				
متغیر	ضریب رگرسیون	متغیر وابسته		
متغیر	ضریب ثابت	آماره t	انحراف معیار	سطح اطمینان
ضریب ثابت	۱۰/۵۹۱	۳/۲۱۳	۳/۲۹۶	۰/۰۳۰۵
استقرار کمیته حسابرسی	۰/۴۱۷	۲/۴۰۲	۰/۱۷۳	۰/۰۱۷**
اندازه شرکت	۰/۰۹۹	۲/۷۱۰	۰/۰۳۶	۰/۰۰۷***
سن شرکت	۰/۰۰۲	۱/۷۴۹	۰/۰۰۱	۰/۰۸۱*
اهرم مالی	-۰/۰۰۶	-۱/۲۷۹	۰/۰۰۴	۰/۲۰۲
نقدینگی	-۰/۰۳۹	-۱/۶۱۳	۰/۰۲۴	۰/۱۰۸
اندازه موسسه حسابرسی	۰/۰۰۵	۲/۰۵۶	۰/۰۰۲	۰/۰۴۱**
نرخ بازده دارایی	۰/۳۹۵	۱/۳۶۱	۰/۲۹۰	۰/۱۷۵
رشد شرکت	۰/۱۷۵	۰/۶۷۸	۰/۲۵۸	۰/۴۹۸
مقدار آماره F	۱۲/۸۹۶	احتمال آماره		۰/۰۰۰۰۱
ضریب تعیین تعدیل شده			۰/۱۱۴۰۶۳	
* سطح معناداری ۱۰%		** سطح معناداری ۵%	*** سطح معناداری ۱%	

نتایج مندرج در نگاره ۴ نشان می‌دهد که ضریب متغیر استقرار کمیته حسابرسی نیز مثبت

و معنادار است که این امر مطابق با انتظار و مبانی نظری است. بر اساس نتایج، شرکت‌های دارای وجود کمیته حسابرسی دارای عملکرد بهتر، اطلاعات را باکیفیت بالاتری افشا می‌کنند. بدین معنی که هرچه نظارت در شرکت‌ها افزایش یابد شفافیت اطلاعات ارائه‌شده توسط مدیران برای ذی‌نفعان بیشتر خواهد بود. اندازه شرکت نیز تأثیر مثبتی بر شفافیت اطلاعات داشته و با بزرگ‌تر شدن اندازه شرکت، کیفیت افشا بهبود یافته است. در نهایت، شرکت‌هایی که سازمان حسابرسی آن‌ها را حسابرسی کرده است، اطلاعات را با کیفیت بالاتری افشا می‌کنند و منجر به شفافیت بالاتر اطلاعات می‌گردد. بنابر نتایج به‌دست‌آمده می‌توان بیان کرد که وجود استقرار کمیته حسابرسی بر شفافیت اطلاعات رابطه مثبت و معناداری دارد؛ بنابراین فرضیه اول پژوهش مبنی بر وجود رابطه مثبت بین آن‌ها مورد تأیید قرار گرفت. نتیجه به‌دست‌آمده از فرضیه دوم پژوهش را می‌توان با مطالعات صورت گرفته توسط رؤیایی و ابراهیمی (۱۳۹۴)؛ آندریس سوارز و همکاران (۲۰۱۳)؛ دوبیجا (۲۰۱۵)؛ وانگ و همکاران (۲۰۱۵) همسو می‌باشد. همچنین ضریب متغیر استقرار کمیته حسابرسی در نگاره فوق حاکی از آن است که وجود کمیته حسابرسی در شرکت منجر به افزایش (۰/۴۱۷)، شفافیت اطلاعات مالی می‌گردد. لذا اندازه شرکت به‌عنوان یکی از متغیرهای کنترلی پژوهش نشان‌دهنده آن است که هرچه میزان شرکت‌ها بزرگ‌تر باشند منجر به افزایش شفافیت اطلاعات مالی می‌شود؛ چراکه شرکت‌های بزرگ نسبت به شرکت‌های کوچک‌تر مزایای بیشتری را از بهبود و بالا بردن میزان افشاء اطلاعات کسب می‌نمایند. همچنین ضریب برآوردی اندازه موسسه حسابرسی بیانگر آن است که موسسه‌های بزرگ حسابرسی (نظیر سازمان حسابرسی) پیشنهادکننده اطلاعات بیشتر و باکیفیت‌تری در گزارش‌های سالانه و حساب‌های صاحب‌کارانشان خواهند بود. ضریب مثبت اندازه موسسه حسابرسی مبین این ادعاست. از سویی دیگر، ضریب برآوردی اهرم مالی بیانگر آن است که شرکت‌های اهرمی (با هزینه‌های نمایندگی کمتر)، اطلاعات کمتر یا با کیفیت پایین‌تری را افشا کنند. ضریب برآوردی سن شرکت به‌عنوان یکی دیگر از متغیرهای کنترلی، حاکی از آن است که شرکت‌هایی با سابقه بیشتر در جمع‌آوری، پردازش و گزارش اطلاعات، به موقع‌تر عمل خواهند کرد و اطلاعات را با کیفیت و شفافیت بیشتری افشا می‌نمایند.

نگاره ۵: ارتباط بین استقرار کمیته حسابرسی و کیفیت سود

$$DA = \beta_0 + \beta_1 AC + \beta_2 SIZE + \beta_3 AGE + \beta_4 LEV + \beta_5 LIQ + \beta_6 Audit + \beta_7 ROA + \beta_8 Grow + \varepsilon$$

متغیر وابسته: کیفیت سود		ضریب رگرسیون		متغیر
سطح اطمینان	انحراف معیار	آماره t	متغیر وابسته	
۰/۰۴۳	۰/۰۰۲	۳/۹۰۴	۰/۰۰۸	ضریب ثابت
۰/۰۵۸*	۰/۰۰۴	۲/۸۹۷	۰/۰۱۳	استقرار کمیته حسابرسی
۰/۵۹۵	۰/۰۰۱	۰/۵۳۱	۰/۰۰۱	اندازه شرکت
۰/۱۵۲	۰/۰۰۹	۱/۴۳۴	۰/۰۱۴	سن شرکت
۰/۰۰۰***	۸/۹۹۲	۱۱/۱۲	۰/۰۰۱	اهرم مالی
۰/۰۳۱**	۹/۲۳۳	۲/۱۶۶	۰/۰۰۲	نقدینگی
۰/۷۰۴	۰/۰۰۲	۰/۳۸۰	۰/۰۰۱	اندازه کمیته حسابرسی
۰/۰۰۰***	۰/۰۱۱	-۳/۷۱۶	-۰/۰۴۳	نرخ بازده دارایی
۰/۲۲۲	۰/۰۰۶	۱/۲۲۱	۰/۰۰۸	رشد شرکت
۰/۰۰۰۰۱		احتمال آماره	۱۴/۲۳۸	مقدار آماره F
۰/۴۱۶۰۸۷				ضریب تعیین تعدیل شده
*** سطح معناداری ۱%		** سطح معناداری ۵%		* سطح معناداری ۱۰%

نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش در قالب تخمین مدل پژوهش در نگاره ۵ گزارش شده است. با توجه به نتایج ارائه شده، ارتباط مستقیم و معناداری بین استقرار کمیته حسابرسی (آماره t بزرگتر از ۱/۹۶۵- و سطح معناداری کوچکتر از ۰/۰۵) و همچنین اهرم مالی، نقدینگی و رشد شرکت برقرار است؛ نتایج به دست آمده به این معنی است که وجود کمیته حسابرسی در پیشگیری از وقوع اعمال خلاف غیرقانونی، بهبود فرآیند گزارشگری مالی و همچنین ارائه اطلاعات شفاف و قابل اتکا مؤثر است و در نتایج به دست آمده مبین تأیید تئوری نمایندگی است که برای کاهش تضاد منافع بین مدیران و مالکان، یکی از سازوکارهایی که می‌تواند این تضاد منافع را کاهش دهد وجود کمیته حسابرسی است. چراکه وجود کمیته حسابرسی منجر به کاهش مدیریت سود و به تبع افزایش کیفیت سود خواهد شد. نتیجه به دست آمده از فرضیه دوم پژوهش را می‌توان با مطالعات صورت گرفته توسط فخاری و همکاران (۱۳۹۴)؛ دهدار و مؤده (۱۳۹۵)، میکو و کامدین (۲۰۱۵) و وانگ و همکاران (۲۰۱۵) همسو می‌باشد.

آزمون فرضیه پژوهش با استفاده از سیستم معادلات حداقل مربعات سه مرحله‌ای (۳SLS)

نگاره ۶: بررسی رابطه متقابل متغیرهای استقرار کمیته حسابرسی، شفافیت اطلاعات و کیفیت سود به‌طور

همزمان

متغیر	مدل ۳			مدل ۴			مدل ۵				
	ضریب	آماره t	سطح معناداری	ضریب	آماره t	سطح معناداری	ضریب	آماره t	سطح معناداری		
c	۰/۴۰۹	۱/۳۱۴	۰/۱۸۹	---	۰/۰۳۶	۳/۴۸۰	۰/۶۸۲	---	۰/۰۲۶	۲/۴۳۱	۰/۷۶۵
TRANS	---	---	---	---	۰/۰۱۵	۰/۰۹۶	۰/۰۲۵	۲/۶۳	۲/۳۱۰	۰/۲۶۳	۰/۴۸۰
DA	۳/۷۱۹	-۲/۲۲۳	۰/۰۹۵	---	---	---	---	---	-۱/۹۳۷	-۰/۸۷۹	۰/۰۵۳
AC	۰/۴۱۳	۲/۳۸۷	۰/۰۱۷	۱/۲۲	-۰/۰۱۱	۰/۰۱۸	-۰/۰۲۷	۱/۴۵	---	---	---
SIZE	۰/۰۲۸	۲/۴۵۷	۰/۰۲۹	۱/۳۳	-۱/۱۹۸	-۲/۳۴۹	-۰/۱۹۸	۱/۶۸	۰/۰۶۹	۰/۵۱۱	۰/۰۶۴
AGE	-۰/۰۶۸	-۱/۳۳۱	۰/۱۸۴	۲/۸۳	۰/۹۳۷	۳/۲۸۹	۰/۱۸۳	۲/۸۳	۰/۰۴۹	۳/۴۰۶	۰/۱۷۴
LEV	-۰/۲۴۲	-۳/۸۶۳	۰/۰۱۹	۲/۶۲	-۰/۶۳۱	-۲/۹۸۸	-۰/۶۳۱	۲/۶۲	۰/۰۳۳	-۲/۳۲۷	-۰/۲۶۲
LIQ	۰/۳۳۷	۳/۹۷۲	۰/۰۰۰	۱/۲۳	۱/۴۴۹	۴/۴۷۸	۱/۴۴۹	۱/۲۳	۰/۰۰۰	۳/۸۴۱	۰/۳۲۶
AUDIT	۰/۲۳۷	۳/۰۳۴	۰/۰۳۸	۱/۶۵	۰/۴۳۲	۱/۳۹۰	۰/۱۶۵	۱/۶۵	۰/۰۴۹	۴/۱۸۹	۰/۳۲۹
ROA	۰/۰۰۵	۲/۰۳۷	۰/۰۴۲	۱/۳۳	۰/۰۱۹	۱/۷۸۶	۰/۰۷۵	۱/۵۹	۰/۰۱۱	۲/۵۴۰	۰/۰۰۲
GROWTH	۰/۰۰۷	۱/۴۸۹	۰/۱۳۷	۲/۷۱	۰/۰۰۰	۰/۵۰۲	۰/۰۰۰	۲/۳۹	۰/۰۱۸	۰/۰۱۱	۰/۰۲۷
R2	۰/۶۲۸			۰/۴۲۸			۰/۴۶۷				
آماره F	۱۵/۳۶۵			۱۴/۳۶۸			۱۰/۵۴۸				
احتمال F	۰/۰۰۰			۰/۰۰۰			۰/۰۰۰				
* سطح معناداری ۱۰٪، ** سطح معناداری ۵٪، *** سطح معناداری ۱٪											
C: ضریب ثابت؛ TRANS: شفافیت اطلاعات؛ DA: کیفیت سود؛ AC: استقرار کمیته حسابرسی؛ SIZE: اندازه شرکت؛ AGE: سن شرکت؛ LEV: اهرم مالی؛ LIQ: نقدینگی؛ AUDIT: اندازه موسسه حسابرسی؛ ROA: نرخ بازده دارایی و GROWTH: رشد شرکت VIF: عدم وجود چندمخطی بین متغیرهای پژوهش											

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از نگاره ۶، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین استقرار کمیته حسابرسی، شفافیت اطلاعات و کیفیت سود به‌طور همزمان رابطه مثبتی وجود دارد. با توجه به نتیجه به‌دست‌آمده از مدل رگرسیونی (۳) حاکی از وجود رابطه مثبت بین وجود کمیته حسابرسی با شفافیت اطلاعات صورت‌های مالی است. بدین معنی که هرچه نظارت خارجی بر شرکت‌ها بیشتر باشد کیفیت اطلاعات و شفافیت صورت‌های مالی افزایش پیدا می‌کند. این نتیجه را می‌توان با مطالعه وانگ و همکاران (۲۰۱۵) همسو دانست. همچنین نتیجه به‌دست‌آمده به‌طور

همزمان نشان می‌دهد که کیفیت سود باعث افزایش شفافیت اطلاعات مالی می‌گردد. با توجه به ضریب به‌دست‌آمده (۳/۷۱۹-) و سطح معناداری (۰/۰۹۵) نشان‌دهنده آن است که هرچه مدیریت سود در شرکت‌ها افزایش یابد منجر به کاهش شفافیت اطلاعات مالی می‌شود و بالعکس. نتیجه به‌دست‌آمده با پژوهش‌های ولی پور و همکاران (۱۳۹۲)؛ خدای پور و همکاران (۱۳۹۲) و دهدار و مزده (۱۳۹۵) مشابه است.

نتیجه به‌دست‌آمده از مدل رگرسیونی (۴) نشان‌دهنده آن است که بین وجود کمیته حسابرسی و شفافیت اطلاعات منجر به کاهش مدیریت سود و به‌تبع افزایش کیفیت سود می‌شود. با توجه به نتایج ارائه‌شده، ارتباط معکوس و معناداری بین استقرار کمیته حسابرسی و همچنین شفافیت اطلاعات (آماره t بزرگ‌تر از ۱/۹۶۵- و سطح معناداری کوچک‌تر از ۰/۰۵) با مدیریت سود است. نتیجه حاصل از معادله همزمان بین آن‌ها را می‌توان با پژوهش وانگ و همکاران (۲۰۱۵)؛ میکو و کامدین (۲۰۱۵) همسو دانست. درنهایت، نتیجه مدل رگرسیونی شماره (۵) حاکی از وجود ارتباط دوطرفه بین شفافیت اطلاعات مالی و مدیریت سود (به‌عنوان معیار کیفیت سود) باوجود کمیته حسابرسی است. نتایج نشان می‌دهد که هرچه شفافیت اطلاعات در شرکت‌ها بیشتر باشد نشان‌دهنده وجود نظارت بیشتر بر شرکت‌ها می‌باشد. نتیجه به‌دست‌آمده از مبانی نظری پژوهش که مبین رابطه مستقیم و معناداری بین آن‌هاست پشتیبانی می‌کند. همچنین مدیریت سود منجر به کاهش شفافیت اطلاعات مالی می‌گردد چراکه هرچه مدیران سود را مدیریت نمایند، سود واقعی شرکت را جهت منافع شخصی خود کتمان کرده و منجر به عدم شفافیت اطلاعات مالی برای استفاده‌کنندگان می‌گردد. لذا انتظار براین است که هرچه مدیریت سود کاهش یابد، شفافیت اطلاعات افزایش یابد. بدین معنی که افزایش کیفیت سود منجر به افزایش شفافیت اطلاعات مالی در شرکت‌ها می‌گردد. نتیجه به‌دست‌آمده مشابه با مطالعه صورت گرفته توسط وانگ و همکاران (۲۰۱۵) است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادهای پژوهش

امروزه ارائه اطلاعات حسابداری و گزارش‌های مالی قابل‌اتکاء از نیازهای اساسی دنیای متحول کنونی است. برای حصول اطمینان از این امر نیاز به سازوکارهایی همانند نظام راهبری مناسب در شرکت‌ها و سایر بنگاه‌های اقتصادی است. کمیته حسابرسی یکی از ارکان اصلی نظام راهبری شرکت‌ها است که موجبات تقویت و سلامت گزارشگری مالی را فراهم می‌نماید و استقلال حسابرسان مستقل را ارتقا می‌بخشد. از سویی، سود معیار مهمی در تصمیم‌گیری و ارزیابی استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی است. اهمیت سود در این موارد یکی از دلایل مدیریت سود است. مدیریت سود، مداخله هدفمند در فرآیند گزارشگری مالی خارجی، باهدف به دست آوردن منافع شخصی است. به‌طور کلی هدف حسابرسان، حفاظت از منافع سهامداران در مقابل تحریفات و اشتباهات بااهمیت موجود در صورت‌های مالی است و در این میان انگیزه‌های مدیران در جهت اعمال منافع شخصی در کیفیت سود، مانع از رسیدن حسابرسان به اهداف خود می‌شوند (نمازی

و همکاران، ۱۳۹۰). صورت‌های مالی به‌عنوان مهم‌ترین بخش از مجموعه اطلاعات مالی محسوب می‌شود. در واقع نقش حسابرسی ارزیابی کیفیت اطلاعات برای استفاده‌کنندگان است. سود حسابداری و اجزای مربوط به آن، از جمله اطلاعاتی محسوب می‌شود که در هنگام تصمیم‌گیری توسط افراد در نظر گرفته می‌شود. این رقم بر مبنای ارقام تعهدی محاسبه و شناسایی می‌گردد (سجادی، ۱۳۹۱).

از طرفی، تقویت فرهنگ پاسخگویی و ارتقای شفافیت اطلاعات در شرکت‌ها و سایر واحدهای اقتصادی که تمام یا بخشی از سرمایه از طریق مردم تأمین شده است، ضرورتی انکارناپذیر است؛ بنابراین برای حصول اطمینان از مسئولیت پاسخگویی بنگاه‌های اقتصادی در مقابل افراد ذینفع باید نظارت و مراقبت کافی به عمل آید. برای اعمال این نظارت و مراقبت کافی وجود سازوکاری مناسب لازم است. از جمله این سازوکارها، طراحی نظام راهبری مناسب در شرکت‌هاست. نظام راهبری شرکتی مفهومی است که در سال‌های اخیر در زمینه مسائلی همچون پاسخگویی و افزایش کیفیت اطلاعات مطرح گردیده است. کمیته حسابرسی یکی از ارکان اصلی نظام راهبری شرکتی است و همچنین یکی از مهم‌ترین کمیته‌های تخصص هیئت‌مدیره محسوب می‌شود که موجب تقویت، سلامت و کیفیت گزارشگری مالی، بهبود کیفیت کنترل‌های داخلی، بهبود عملکرد حساب‌رسان کمک به هیئت‌مدیره برای ایفای مسئولیت پاسخگویی و اطمینان از انطباق فعالیت‌های این واحدها با قوانین و مقررات آمره و همچنین موجب جلوگیری از اعمال غیرقانونی مدیریت سود و به تبع افزایش کیفیت سود می‌گردد.

نتایج پژوهش نشان‌دهنده آن است که استقرار کمیته حسابرسی به‌طور شفاف با کیفیت شفافیت اطلاعات مالی و کیفیت سود رابطه معناداری وجود دارد. این بدین معنی است که کمیته‌های حسابرسی متشکل از کارشناسان مستقل هستند که نه تنها از تضاد منافع دور هستند بلکه می‌توانند منافع ذی‌نفعان و سهامداران را حفظ نمایند؛ بنابراین، کمیته‌های حسابرسی مستقل می‌توانند اطمینان حاصل نمایند که حساب‌رسان حرفه‌ای و مستقل در حسابرسی گزارش‌های مالی و گزارش نهایی حسابرسی هستند. مدل‌های معادلات همزمان که در پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گرفت نشان‌دهنده اثرات مثبت و تعاملی بین استقرار کمیته حسابرسی، شفافیت اطلاعات و کیفیت سود وجود دارد. از سویی دیگر، نتایج حاکی از آن است که (۱) کمیته حسابرسی و کیفیت سود تأثیر مثبت و معناداری بر شفافیت اطلاعات دارند؛ (۲) شفافیت اطلاعات و وجود کمیته حسابرسی تأثیر مثبتی بر کیفیت سود دارند و (۳) شفافیت اطلاعات و کیفیت سود تأثیر مثبتی بر وجود کمیته حسابرسی دارد. مطابق با پژوهش وانگ و همکاران (۲۰۱۵) نیز بیان می‌دارند سهامداران و نهادهای قانون‌گزار در بازارهای مالی به‌طور فزاینده‌ای بر نقش کمیته حسابرسی در ایفای مسئولیت پاسخگویی نسبت به وظایف خود به‌خصوص از منظر نظارت بر صورت‌های مالی حسابرسی شده، تمرکز می‌کنند. استقرار کمیته حسابرسی اثربخش می‌تواند بهبود شفافیت گزارشگری مالی و کیفیت سود را به دنبال داشته باشد. لذا نتیجه به‌دست‌آمده با پژوهش وانگ و همکاران (۲۰۱۵) همسو می‌باشد. همچنین در پژوهشی دیگر الشاعر و همکاران (۲۰۱۷) بر

این باورند که کمیته حسابرسی به‌عنوان یکی از اجزای نظام راهبری شرکتی می‌تواند در بهبود شفافیت گزارشگری مالی تأثیرگذار باشد که از جهتی می‌توان نتیجه پژوهش وی را با نتایج به‌دست‌آمده همسو دانست. در پژوهش‌های صورت گرفته در داخل کشور، می‌توان به پژوهش علوی و همکاران (۱۳۹۶) اشاره نمود که بر این استدلال هستند که استقرار کمیته حسابرسی در شرکت‌ها تأثیری بر میزان اختلاف امتیاز افشای شرکت‌ها ندارد. به‌عبارت‌دیگر فعالیت‌های کمیته حسابرسی هنوز به‌طور مؤثر موجب بهبود کیفیت گزارشگری مالی در دو سال پس از استقرار این کمیته‌ها نشده است؛ بنابراین پژوهش وی با نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر در یک راستا نمی‌باشد. همچنین پژوهش زارعی و قاسمی (۱۳۹۵) نشان داد که ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر معناداری ندارد که علاوه بر آنکه یافته‌های پژوهش وی با پژوهش‌های آسمن و کاماردین (۲۰۱۵)، ولامینک و سارنس (۲۰۱۳) و ابدوکادیر (۲۰۱۲) همسو نمی‌باشد بلکه با نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر در یک راستا نمی‌باشد.

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، به‌سازمان بورس اوراق بهادار تهران پیشنهاد می‌گردد با وضع قوانین نظارتی بیشتر، توجه ویژه‌ای به کمیته حسابرسی شرکت‌ها داشته باشند چراکه وجود کمیته حسابرسی موجب بهبود کیفیت صورت‌های مالی و شفافیت اطلاعات و افزایش کیفیت سود می‌گردد. همچنین به مدیران شرکت‌ها پیشنهاد می‌گردد که با توجه به اینکه کمیته حسابرسی در صورت استقرار و عملکرد صحیح واحدهای اقتصادی، تأثیر مثبتی بر عملکرد واحد حسابداری و واحد حسابرسی داخلی، همچنین کیفیت گزارشگری مالی و افزایش کیفیت سود هر واحد اقتصادی دارد؛ بنابراین تشکیل این کمیته باید امری مهم تلقی شود و به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌گردد هنگام سرمایه‌گذاری به اعضای کمیته حسابرسی در زمان سرمایه‌گذاری دقت به عمل آورند. همچنین به فعالان بازار سرمایه، توصیه می‌گردد هنگام اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری به شفافیت اطلاعات مالی که از طریق سازمان بورس اوراق بهادار تهران برای شرکت‌ها رتبه‌بندی شده است توجه نمایند. به پژوهشگران در تحقیقات آتی پیشنهاد می‌گردد که با استفاده از مدل‌های دیگر کیفیت سود به بررسی ارتباط متقابل استقرار کمیته حسابرسی، شفافیت اطلاعات و کیفیت سود بپردازند. همچنین، پژوهشگران می‌توانند کمیته حسابرسی را در دوره‌های متفاوت موردبررسی قرار داده و نتایج را با شفافیت اطلاعات و کیفیت سود بررسی نمایند.

لازم به توضیح است که برخی از داده‌ها بر اثر تورم نیاز به تعدیل دارد و عدم تعدیل آن می‌تواند محدودیت عمده‌ای برای انجام پژوهش محسوب گردد. به‌طور نمونه داده‌های مربوط به سود شرکت‌ها جهت محاسبه کیفیت سود که بر اساس بهای تمام‌شده تاریخی است نه بر اساس ارزش‌های جاری. همچنین با توجه به اینکه سازمان بورس اوراق بهادار تهران از سال ۱۳۹۱ شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس را ملزم به افشا و تشکیل کمیته حسابرسی کرده است، لذا با این وجود شرکت‌هایی مبنی بر عدم افشای کمیته حسابرسی وجود داشته است که در انجام این پژوهش منجر به کاهش تعداد نمونه آماری گردید. نتیجتاً برای تعمیم نتایج به شرکت‌ها، به‌جز شرکت‌های بورس اوراق بهادار، بایستی احتیاط شود.

فهرست منابع

الف - فهرست فارسی

۱. ابراهیمی کردلر، علی؛ حیدری رستمی، کرامت الله و عمرانی، حامد. (۱۳۹۲). تأثیر ترکیب هیئت‌مدیره بر محافظه‌کاری و به‌هنگام بودن شناسایی و گزارش اخبار خوب و بد در شرکت‌های پذیرفته‌شده بورس اوراق بهادار تهران. مطالعات حسابداری و حسابرسی، دوره ۲، صص ۲۱-۴۸.
۲. باباجانی، جعفر و خنکا، عبدالخالق. (۱۳۹۱). ضرورت تشکیل کمیته حسابرسی و استقرار واحد حسابرسی داخلی در شهرداری‌های کلان‌شهرها برای ارتقا سطح مسئولیت پاسخگویی. مطالعات تجربی حسابداری مالی، شماره ۳۳، صص ۳۹-۷۲.
۳. بهار مقدم، مهدی و کوهی، علی. (۱۳۸۹). بررسی نوع مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابداری، دوره ۱، شماره ۲، صص ۷۵-۹۳.
۴. تالانه، عبدالرضا و هجران کش راد، حدیث. (۱۳۹۰). بررسی کارایی بورس اوراق بهادار تهران در سطح ضعیف و نیمه قوی. تحقیقات حسابداری و حسابرسی، دوره ۳، شماره ۱۲، صص ۲۷-۴۱.
۵. جامعی، رضا و رستمیان، آزاده. (۱۳۹۵). تأثیر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر ویژگی‌های سود پیش‌بینی‌شده. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۸، شماره ۲۹، صص ۱۷-۱.
۶. خداسی پور، احمد؛ خورشیدی، علیرضا و شیرزاد، علی. (۱۳۹۲). اثر کیفیت افشا بر انواع مدیریت سود. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۰، شماره ۴، صص ۳۸-۲۱.
۷. دارایی، رؤیا و کریمی، اکرم. (۱۳۸۹). تأثیر نرخ رشد دارایی‌های ثابت بر بازده سهام. پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۲، شماره ۸، صص ۱۳۰-۹۹.
۸. دهدار، فرهاد و مؤده، محمد. (۱۳۹۵). تأثیر کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی بر جلوگیری مدیریت سود. پژوهش‌های جدید در مدیریت و حسابداری، شماره ۱۶، صص ۱-۱۲.
۹. ذوالنور، سید حسین. (۱۳۷۴). مقدمه‌ای بر اقتصادسنجی. چاپ اول، شیراز: دانشگاه شیراز.
۱۰. رحیمیان، نظام‌الدین و توکل نیا، اسماعیل. (۱۳۸۲). تأثیر کمیته حسابرسی بر فعالیت‌های حسابرسی داخلی. مجله حسابداری رسمی، صص ۶۸-۷۵.
۱۱. رؤیایی، رمضانعلی و ابراهیمی، محمد. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر سطح افشای داوطلبانه اخلاقی. فصلنامه حسابداری مالی، دوره ۷، شماره ۲۵، صص ۷۱-۸۸.
۱۲. زارعی، علیرضا و قاسمی، معصومه. (۱۳۹۵). اثر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر کیفیت گزارشگری مالی. بررسی‌های حسابداری، دوره ۳، شماره ۱۲، صص ۴۳-۶۴.
۱۳. ستایش، محمدحسین و کاظم نژاد، مصطفی. (۱۳۹۱). شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر کیفیت افشای اطلاعات شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. پیشرفت‌های حسابداری، دوره ۴، شماره ۱، صص ۷۹-۴۹.
۱۴. سجادی، سیدحسین؛ دستگیر، محسن؛ حسین‌زاده، علی حسین و اخگر، محمدمامد. (۱۳۹۱). بررسی شیوه‌های استفاده از اختیارات مدیریت در گزارشگری سودآوری آینده و تأثیر ویژگی‌های شرکت‌ها بر شیوه‌های استفاده از اختیارات مزبور. دانش حسابداری، دوره ۳، شماره ۸، صص ۷-۳۰.
۱۵. صفری گرایلی، مهدی؛ رضائی پسته نوئی، یاسر و نوروزی، محمد. (۱۳۹۶). ارائه مدلی برای تبیین اثربخشی کمیته حسابرسی و محتوای اطلاعات حسابداری. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، دوره ۶، شماره ۲۴، صص ۱۲-۱.
۱۶. عالی پور، عزیز. (۱۳۷۰). افشا در گزارشگری مالی، انتشارات سازمان حسابرسی، نشریه شماره ۶۸.
۱۷. علوی، سید مصطفی؛ قائمی، محمدحسین و رضازاده، جواد. (۱۳۹۶). پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی، سال ۶، شماره ۱۰، صص ۶۶-۳۵.
۱۸. فخاری، حسین و رضائی پسته نوئی، یاسر. (۱۳۹۷). تأثیر کمیته حسابرسی بر محیط اطلاعاتی شرکت، فصلنامه حسابداری مدیریت، سال ۱۱، شماره ۳۶، صص ۶۳-۷۹.
۱۹. فخاری، حسین؛ محمدی، جواد و حسن نتاج کردی، محسن. (۱۳۹۴). بررسی اثر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق اقلام واقعی. مطالعات تجربی حسابداری مالی، دوره ۱۲، شماره ۴۶، صص ۱۵۴-۱۳۰.

۲۰. کامیابی، یحیی و بوژمهرانی، احسان. (۱۳۹۵). ویژگی‌های کمیته حسابرسی، کیفیت افشا و نسبت غیرموظف اعضای هیئت‌مدیره. پژوهش‌های تجربی حسابداری، دوره ۶، شماره ۲، صص ۲۱۸-۱۹۱.
۲۱. کردستانی، غلامرضا و طایفه، سیامک. (۱۳۹۲). ویژگی‌های کیفی سود و هزینه سرمایه سهام عادی. تحقیقات مالی، دوره ۱۵، شماره ۱، صص ۷۵-۹۴.
۲۲. کویکی، صدیقه؛ کردلویی، حمیدرضا و میرایی، وحیدرضا. (۱۳۹۴). تأثیر کارایی عملکرد حسابرسی داخلی و کمیته حسابرسی بر تجدید ارائه صورت‌های مالی. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، دوره ۴، شماره ۱۶، صص ۳۴-۲۴.
۲۳. محمدپور، مسعود و شهرایی، شاهرخ. (۱۳۹۳). سازوکار کمیته حسابرسی اثربخش، مجله حسابدار، شماره ۲۶۵، صص ۵۰-۵۷.
۲۴. مرادزاده فرد، مهدی؛ نوروزی، محمد و محرمزاده، ناهید. (۱۳۹۶). اثربخشی کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی: آزمون تجربی رویکرد نظارتی، پژوهش‌های نوین در حسابداری و حسابرسی، دوره ۱، شماره ۴، صص ۱۹۸-۱۷۷.
۲۵. ملکیان، اسفندیار؛ احمدپور، احمد؛ رحمانی نصرآبادی، محمد و دریایی، عباسعلی. (۱۳۸۹). عوامل مؤثر بر دقت سود پیش‌بینی شده توسط شرکت‌ها: شواهدی از بازار بورس اوراق بهادار تهران. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۷، شماره ۳.
۲۶. نمازی، محمد و محمدی، محمد. (۱۳۹۰). بررسی کیفیت سود در شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی بورس اوراق بهادار تهران. پیشرفت‌های حسابداری، شماره ۲، دوره ۲، صص ۱۹۴-۱۵۹.
۲۷. ودیعی نوقایی، محمدحسین؛ نوروزی، محمد؛ قدرتی زوارم، عباس و تیمورپور، سهیلا. (۱۳۹۸). بررسی نقش تعدیل‌گر کیفیت حسابرسی بر ارتباط بین اثربخشی کمیته حسابرسی و مدیریت سود. دانش حسابرسی، دوره ۱۹، شماره ۷۴، صص ۱۰۷-۱۲۶.
۲۸. ولی پور، هاشم؛ طالب نیا، قدرت اله و جوانمرد، سیدعلی. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر مدیریت سود بر کیفیت سود شرکت‌های دارای بحران مالی، دانش حسابداری، دوره ۴، شماره ۱۳، صص ۷۵-۱۰۳.

ب- فهرست انگلیسی

1. Abdukadir, M. (2012). "Audit Committee Characteristics and Financial Reporting Quality". Terengganu International Finance and Economics Journal, 3 (1): 30-37.
2. Alsaeed, K. (2005). The Association between Firm Characteristics & Disclosure. Journal of American Academy of Business, 7 (1): 321-310.
3. Al-Shaer., H aly, S. and Steven, T. (2017). Audit committees and financial reporting quality: evidence from UK environmental accounting disclosures, Journal of Applied Accounting Research, 18, 2-21.
4. Andriantomo, Fr., Ninik Yudianti, (2013). the Value Relevance of Accounting Information at Indonesia Stock Exchange. International Conference on Business, Economice and Accounting.
5. Armstrong, C.S., Core, J.E., Guay, W.R. (2014). Do independent directors cause improvements in firm transparency? J. Financ. Econ. 113, 383-403.
6. Badolato, P.G., Donelson, D.C., Ege, M. (2014). Audit committee financial expertise and earnings management: the role of status. J. Account. Econ. 58, 208-230.
7. Bilal., Chen, Songsheng & Komal, Bushra. (2018). Audit committee financial expertise and earnings quality: A meta-analysis, Journal of Business Research, Volume 84, March 2018, Pages 253-270.
8. Blanco, B., Garcia Lara, J.M., Tribo, J. (2014). The relation between segment disclosure and earnings quality. J. Account. Public Policy, 33, 449-469
9. Cassell, C.A., Myers, L.A., Seidel, T.A. (2015). Disclosure transparency about activity in valuation allowance and reserve accounts and accruals-based earnings management. Acc. Organ. Soc. (2015). doi:10.1016/j.aos. 2015.03.004

10. Dechow, M.P. & Sloan, R.G. & Sweeney, A.P. (1995). Detecting Earnings Management. *The Accounting Review*, 70 (2):193-225.
11. Dobija, Dorota. (2015). Exploring audit committee practices: oversight of financial reporting and external auditors in Poland, *Journal of Management & Governance*, February 2015, Volume 19, Issue 1, pp 113–143
12. FEE (2013). *Global Observations on the Role of the Audit Committee*, Center for audit quality, ICAA.
13. Foster, G. (1986). *Financial Statement Analysis*. New Jersey, Prentice-Hall. Inc.
14. Francis, J. & Olsson, P. & Schipper, K. (2004). Costs of Equity and Earnings Attributes. *The Accounting Review*, 79 (4): 967-1010
15. Ghosh, A., Marra, A. and Moon, D. (2010). Corporate boards, audit committees, and earnings management: pre and post-SOX evidence. *Journal of Business Finance & Accounting*, 37, pp.1145–1176.
16. Greene, W. H. (2002). *Econometric Analysis*. 2nd Edition, New York: Prentice Hall.
17. Gujarati, D. N (2004). *Basic Econometrics*, 4nd Edition, New York, the McGraw–Hill Companies.
18. Habbash, M., Sindezingue, C., Salama, A. (2013). The effect of audit committee characteristics on earnings management: evidence from the United Kingdom. *Int. J. Discl. Gov.* 10(1), 13–38
19. Healy, P., A. Hutton and K.Palepu. (1999). Stock performance and intermediation changes surrounding increase in disclosure. *Contemporary Accounting Research* 16,485-520.
20. Hendriksen, E. and V. Berda, (1992), "Accounting Theory", 5th Ed. New Yourk: Irwin. Juan García-Teruel, P. and Martínez-Solano, P., (2007), "Effects of working capital management on SME profitability", *International Journal of Managerial Finance*, Vol. 3, No. 2, 164-177.
21. Ho, S.S.M., Wong, K.S. (2001). A study of the relationship between corporate governance structures and the extent of voluntary disclosure. *J. Int. Account. Audit. Tax.* 5(10), 139–160.
22. Hysham, R., Zainuddin, Y. H and Haron, H. (2014). The relationship between corporate social responsibility disclosure and corporate governance characteristics in Malaysian public listed companies, *Social responsibility Journal*, Vol 5, No 2, pp 212-226.
23. Jo, H., Kim, Y. (2007). Disclosure frequency and earnings management. *J. Financ. Econ.* 84(2), 561–590
24. John L. Abernathy., Brooke Beyer b., Adi Masli c, Chad Stefaniak d. (2014). *Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting*. <http://dx.doi.org/10.1016/j.adiac.2014.09.001>.
25. Karamanou, I. & Vafeas, N. (2005). The Association between Corporate Boards, Audit Committees, & Management Earning Forecasts: An Empirical Analysis. *Journal of Accounting Research*, 43 (3): 453-486.
26. Klein, A. (2002). Audit committee, board of director characteristics, and earnings management. *J. Account. Econ.* 12(33), 375–400
27. Krishnan, J., Yuan, W., Wanli, Z. (2011). Legal expertise on corporate audit committees and financial reporting quality. *The Accounting Review*, 86(6), 2099-2130
28. Liardo, L. (2009). Association between Company Characteristics & Disclosure Quality of Public Announcements: The Case Tallin, Riga & Vilnius Stock Exchanges. Working Paper, [Online]. www.ssrn.com.
29. Lin, S.M., Huang, M.J. (2009). Tax evasion and audit selection. *Int. J. Account. Stud.* 48, 36–66
30. Miko N., H. Kamardin, (2015). Impact of Audit Committee and Audit Quality on Preventing Earnings Management in the Pre - and Post- Nigerian Corporate Governance code 2011, *Management and Social Science Research*

31. Morck, R., Shleifer, A., Vishny, R.W. (1988). Management ownership and market valuation: an empirical analysis. *J. Financ. Econ.* 19(20), 293–315
32. Park, K., & Jang, S. (2013). Capital structure, free cash flow, diversification and firm performance: A holistic analysis. *International Journal of Hospitality Management*, 33, 51-63.
33. Poretti, Cédric., Schatt, Alain & Bruynseels, Liesbeth. (2018). Audit committees' independence and the information content of earnings announcements in Western Europe. *Journal of Accounting Literature*, Volume 40, June 2018, Pages 29-53
34. Rohana, D.K., R. Malhotra. (2014). Characteristics of the Audit Committee on Voluntary Disclosure. September–October: 25–31.
35. Samahaa, K., Khlif, H., Hussainey, K. (2015). The impact of board and audit committee characteristics on voluntary disclosure: a meta-analysis. *J. Int. Account. Audit. Tax.* 24, 13–28.
36. Usman Miko, N. and Kamardin, H. (2015). Impact of Audit Committee and Audit Quality on Preventing Earnings Management in the Pre - and Post Nigerian Corporate Governance Code 2011". *Social and Behavioral Sciences*, 172 (2015): 651-657.
37. Vlaminc, N. & Sarens, G. (2013). The Relationship between Audit Committee Characteristics and Financial Statement Quality. *Journal of Management & Governance*, 19 (1): 145-166.
38. Wallace, R. S. O., Naser, K. & Mora, A. (1994). The Relationship between the Comprehensiveness of Corporate Annual Reports & Firm Characteristics in Spain. *Accounting & Business Research*. 25 (97): 41-53.
39. Wang, Mao-Chang., Lee, Meng-Han and Chuang, Jia-Jiann. (2015). Relations among audit committee establishment, information transparency and earnings quality: evidence from simultaneous equation models. DOI 10.1007/s11135-015-0269-y.
40. Watts, R. & Zimmerman, J. (1986). *Positive Accounting Theory*. Prentice-Hall, Englewood Cliffs, NJ.